



# مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز چهارشنبه (۲۹) بهمن ماه ۱۳۵۴

- ۲- ادامه مذاکره در گزارش یک شوری کمیسیون  
بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۵۵ کشور کل.
- ۳- تعیین دستور و موقع جلسیه آینده - پنجم جلسه.

فهرست مطالب:  
۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.

مجلس ساعت ۸ بعد از ظهر برباست آقای همدانته ریاضی تشکیل شد

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.  
(بشرح زیر خوانده شد)

آقایان: جباری - رامبد - رئیسی اردکانی -  
رحیمی لاریجانی - غلامرضا غضنفری - صحرانی -  
قوامی - دکتر نصیری - اربابی - بانویروستند -  
بانوسلیلی - بانوضرابی.

۲- ادامه مذاکره در گزارش یک شوری کمیسیون بودجه  
راجع به بودجه سال ۱۳۵۵ کل کشور

رئیس - وارد دستور میشویم، کلیات لایحه بودجه  
سال ۱۳۵۵ کل کشور مطرح است آقای رفعتی بفرمائید.  
رستم رفعتی - بنابود هر کدام از همکاران در لایحه  
بودجه مبحثی داشته باشیم که مربوط به اطلاع و تخصص  
و مطالب تکراری نباشد بنده هم بر مبنای اطلاعی که در  
کشاورزی دارم مطالبی یادداشت با اینکه تکراری شده  
عرض خواهم رسانید چون همکاران با بیان شیوا و عارفانه  
و عالمانه خود از سرنک و گوشتی دکتر تایناز کشاورز و از  
کارخانجات ماشین سازی تا پنجرگیری فرمودند من هم  
بر حسب وظیفه نمایندگی آنچه را که نوشته خواهم خواند  
اما قبل از آغاز سخن اجازه میخواهم برگردم به دورانی که

شاهنشاه بزرگ ما در سخت ترین دوران تاریخ زمان امور  
مملکت بدست گرفتند آن روزیکه قشون بیگانه از هر سو  
به ما حمله کردند و ما را مورد تهاجم غیردوستانه قرار  
دادند و ما را پل پیروزی خود نامیدند آذوقه و مایحتاج  
ما را بردند گندمها را خریداری و آتش می زدند که ما را  
گرسنه نگهدارند سرمایه مادی ما را میبردند آنچه که  
نتوانستند از ما بگیرند آن قدرت شاه ایران و ملت ایران  
بود و آنچه را که نتوانستند به یغما ببرند سرف ایرانی  
بود ستون پنجم دول بیگانه میگفتند این سرمایه ایران  
است که می رود و خارجیان کاخهای سربه آسمان کشیده  
میسازند دولت هم میگفت جلوان ما باید بگیریم و خودمان  
از بول نفت ارتزاق کنیم این هم ندای رباکارانه ای بود  
نه از روی دلسوزی اما شاهنشاه بیدار دل و هوشیار ما  
گرانی مصنوعی و تحققی را از بین بردند آذربایجان عزیز را که  
مایه امید و افتخار ما است پس گرفت ستون پنجمها را از  
بین برد انقلاب شاه و ملت را بناتهاد اصل انقلاب  
را می بینیم صنعت نفت و اداره آنرا بدست ایرانی داد  
(صحیح است - احسنت) آقایان یک مطلب را میگویم  
این همه مسائل رفاهی وزیر بنای اقتصادی را که می شنوید  
ومی بینید آن داده شاه ایران است و هیچکس دیگری تأثیری

در آن ندارد و خدمتگزاران واقعی کستانی هستند که مورد تأیید شخص شاهنشاهی بوده و باشند و ما در مقابل آنانی که منویات شاهنشاهی ما را درک نموده و معجزی هستند سرعظیم فرود میآوریم (احسن) این کاغذها که می بیند از آن اعتباری ساخته میشود که قبلاً از اعتبار مالکان در کشور خود بنا می نهادند - درود به شاهنشاهی.

موضوع دیگر هم یاد آمد که بی مناسبت نیست بعضی نمایندگان و مختار محترم بر سه اعتبارات شهرداریها روی فصول تقسیم میشود در سال ۱۳۳۴ من تازه عضو انجمن شهر شده بودم که بودجه شهرداری را بررسی میکردم کل بودجه بیست و هشت هزار تومان بود یعنی دو بیست و هشتاد هزار ریال که ۳٪ آن سهم تربیت بدنی و ۸۴٪ تومان یعنی هشت هزار و چهار صد ریال اعتبار تربیت بدنی مسا شد. این را دایمته باشمید در سال ۳۳ من رئیس حزب مردم در استان ایلام بودم که بحمدالله به همت شاهنشاهی حالا وکیل شده ام ما در انجمن شهر و شهرستان که عضو حزب مردم بودیم رأی میاوریم حزبی ضعیف بودیم نتوانستیم رأی میاوریم جناب استاندار وقت که الان هم هستند خوب ایشان اظهار لطف کردند بنده را به اسم مشاور استاندار در کارها دخالت میداد خیلی هم متشکرم، بودجه عمرانی ناحیه ای آمده بود ۵ میلیون تومان در دومرحله مدیران کل، استاندار و رؤسا تشریف آوردند روی این صندلی ها قرار گرفتند این صندلی هائی که با خون دل بدست آمده است این صندلی ها که شما روی آن ها می نشینید شاه خون دل خورده تا محکم گردیده و با خون دل شاه آبیاری گردیده قدر خوب های آن را بدانید شما حقش را ادا کنید حق ارتش را بدانید بودجه ارتش کم است من اعتراض به دولت دارم، ما امنیت را بیشتر از جان دوست داریم اگر امنیت نباشد جان کجاست؟ رفاهیت کجاست؟ حمام بالای تپه کجاست؟ حمام زیر تپه کجاست؟ این ارتش شاهنشاهی که به امیر شاهنشاهی نگهداری میشود شرف شما، حیثیت شما و ناموس و مملکت شماست (احسن - احسن) سهم تربیت بدنی در آن بودجه ده میلیون تومان شد رئیس کل تربیت بدنی قهر کرد و ناراحت شد گفتم که چی شد؟ گفت آقا شما با ما دوست هستی، با مردم دوست هستی تو رئیس حزب مردم هستی باید بیایی بامن همکاری کنی باید بیایی و به استاندار بگویی که این کم است، چون شما در جبهه مخالف دولت هستی، بخدا به آن مکه ای که

رفته ای آقای عباس میرزائی گریدام گرفت و این بغض من از دوجبهت بود که گویم را گرفت بلند شدم رفتم بیرون به سجده افتادم، به خاک افتادم ۱۰ میلیون تومان از این سهم ناحیه ای بوده ۱۰ میلیون تومان هم از وزارتخانه حواله شده رویهم ۲۰ میلیون تومان بود رئیس تربیت بدنی آنجا قهر کرد که این مبلغ کم است برگشتم از بیرون آقای استاندار فرمودند ناراحت از چی شده ای او خیال کرد یکی از رؤسا متلکی گفته است و من ناراحت شده ام چون بعضی ها متلک هم می گفتند گفتم نه کسی حرف نزده گفت پس چرا ناراحتی و اشک توی چشم توست گفتم این اشک شوق است از کسی هم ناراحت نیستم من می خواهم واقعا این آقایان مدیر کل هارحرف ما را بشنوند و بعد بفهمند، محمدرضا شاه پهلوی را که شناخته اند بهتر بشناسند و بیشرتهای دوران او را درک کنند، ۲۰ میلیون تومان به این آقا داده اند تازه قهر کرده است آقای مدیر کل آموزش و پرورش شما هم توجه داشته باشید مدیر کل ها مورد خطاب اند، یکی یکی اسمشان را بردم همین مضاربوجه شهرداری و بودجه تربیت بدنی را به آن ها گفتم ولی من نمیدانم آقای وزیر آموزش و پرورش وقتان بیشتر است یا دیگری استاد یوم ساختند و خراب هم شد و کسی هم استفاده نکرد بعد به عرضتان می رسانم در عصر انقلاب قلبه عالم ما باید باشد، باید نماز بخوانم من مردم گویی نیستم من حق شاه را می گویم من فردی هستم کشاورز این حتی است برگردن ما (احسن) - احسن) من می خواستم مطالب دیگری عرض کنم و بعد در دنباله سخنرانیم وارد بشوم وزارت بازرگانی و بررسی قیمت ها، نماینده مصرف کننده است نه تولید کننده بایستی اگر هم لازم باشد با هم توافق کنند در یک جلسه قیمت گذاری شود حسعلی نانوا نماینده صنف خباز و رئیس اطاق اصناف شده گفته قیمت انگور را بگذارید کیلویی سه ریال منطبق شما چیست؟ آخر انگور در آذربایجان منت است و ریخته اما لازم است کسی آن را جمع بکند، مردم حساسی اگر این انگور باید جمع آوری بشود کارگر اگر آن را جمع کند بیشتر از سه ریال در هر کیلو مزد میخواهد آقای اطاق بازرگانی آقای وزیر بازرگانی آقای رئیس و مسئول قیمت ها شما چرا به کارخانجات نمی رسید، تلویزیون و یخچال نمایندگان دارند و قبلاً هم داشته اند قبلاً ۲۲ درصد بهشان می دادند ۶ ماه مدت داشت که با نرخ بازار

تومانی یک قران کرایه حمل تا مصرف به عهده کارخانه است آخر سال یک ۳ درصد انعام به فروشنده هم میدادند حساب بفرمائید ۳۴ درصد به نفع مصرف کننده یا فروشنده کارخانجات کسر می کردند آمدند حمایت از مصرف کننده کردند چکار کردند ۸٪ دادند به فروشنده کرایه حمل تا محل را هم حساب کردند در عوض ۱۰ درصد از کل قیمت کسر کردند من نمی شناسم این وزیر بازرگانی را من نمیدانم باندازه ای از این شخص تعریف می کنند نمیدانم تشریف دارند یا نه، من تبریکی برایشان نوشته در جلسه کمیسیون بودجه خواستم خدمت موقش کندم تبریک را برایشان ندادم تبریک را موقعی می گویم که موفق باشند من دعا کردم برایشان که ایشان در اجرای منویات شاهنشاهی آرزومیر که رفاه مردم در آن مستتر است موفق باشند بعد وقتی شاه از ایشان راضی شد اگر این کار را کردی دست را ماح می کنم اگر نکردی من دانم و تو در پشت این مریخون (خنده نمایندگان) آقای وزیر، کارخانجات قماش یافی شما به بازار تهران جنس را عرضه می کنند بنکدار عدل فروش، طاقه فروش، مرفروش، آن هائی که زود بند داشته این زود بند کنندگان در قیمت که الحمدلله ریشه کن شدند، انشاءالله شما هم آنها را ریشه کن می کنید و انشاءالله شما آنها را بر میاندازید آنها جنسی را که در بازار باید فروخته بشود عرضه میکردند اشخاصی که مثل من دهائی بودند میرفتند میگفتند ما آمدیم جنس بخیریم اول میگفتند که شش ماه باید نوبت بگیرد بعد هم جنسی را که شما میخواهید اگر یک عدل میخواهید چهار عدل باید اضافه کنید یعنی چه؟ من اینقدر دلم نمی خواهد، می گفتند نمیشود و در نتیجه خریدار شهرستانی از خرید صرف نظر میکند. میرود دنبال دلال بازار که دستم بدامنت جنس بمن بده، او میگوید من بتو جنس میدهم بشرطی که صورت حساب نخواهی، آنهم بچه نرخی؟ به نرخ متر فروشی باو میدهد. شما را بخدا باین موضوع برسید نگوئید فساد و فساد کارمند شهرداری را گرفته او محتاج است کما اینکه یکی از دوستان بمن توصیه کرد راجع بکارمندان شهرداری صحبت بکنم. گفتم در حرفه ام نیست. درست است که یک روزی رئیس انجمن شهر بودم ولی الان یادم رفته چه چیز باید بگویم وجه چیز را نباید بگویم. کارمند شهرداری را گرفتند بعلت اینکه چند استکان در آبدارخانه شهرداری دزدی کرده و پدرش را در آوردند آقای وزیر دادگستری تشریف دارند پدر آن کارمند را در آوردند (وزیر دادگستری - بدکاری

کرده) کاملاً صحیح است کاربردی کرده برای هم پرونده درست کردند ولی ما ام الفساد را باید بجسیم کارخانجات را باید بجسیم کارمند دولت بخدا گناه ندارد بخدا بدبخت ترین طبقه اجتماع کارمند دولت است. کارمند دولت چه دارد؟ کرایه خانه ندارد بدهد. میاید شما آقای وزیر میگوید قربان ۱۵ برج است پول میخواهم کرایه خانه ندارم بدهم اسبابم را ریخته اند بیرون میگویند نداریم ممرات اجازه نمیدهد. آقای وزیر بازرگانی بکارخانجات بجسید برای اینکه آن وقت خدا هم از شما راضی باشد، شاهنشاهی ایران راضی باشد، ملت ایران راضی باشد. وقت را تلف نکنید حالا فلسفه این چیست زنان باشراف آذربایجان البته همه زنهای ایران باشراف هستند ولی اینها که عرض میکنم زنان قالیباف هستند. زن باشراف آذربایجانی که شوهرش دیم کار است این زن در طول دو ماه یک کناره چهارمتری را میبرد در بازار داز که پائین آورد میدهد شوهرش و میگوید این سه هزار و صد بیست تومان قیمتش است دنگ و فنگ و نیشم و چای پای دار. ۷۵ تومان میشود. ۵۰ تومان هم بدهکارم برایش چند مانده؟ ۱۹۰۰ تومان در دو ماه شوهرش چه کار کرده ۶۰۰ کیلو گندم کاشته خیلی خوب هم درو کرده خرمن کرده کوبیده و شبها نخوابیده که باد بیاید تا این گندم را باد بدهد و خوار گندم برداشت کرده البته خیلی هم بالا گرفته. اینهایی که دست اندر کار کشاورزی هستند خوب میدانند، خوار را آورده منزل بزنش هم گفته من خیلی خسته هستم او هم گفته خدا قوت بدهد چه کرده ای قیمتش چقدر است؟ میگوید آقای وزیر کشاورزی گفته اند آبانامه می خردن. باید اینها را آبانامه کنیم با آفت و آفتی که دارد و آنهم بنفع شماست در آبانامه از او میخرند یک هزار و پانصد تومان خدا شهادت که غرورش شکسته که زنش در چهار دیواری اتاقش در دو ماه ۱۹۰۰ تومان کار کرده و خودش هیچ، در ظرف یک سال ۱۰۰۰ تومان. من اگر بجای این کشاورز باشراف ایرانی باشم گریه میکنم (خانم داودی - زن و ترد فرقی ندارند) این مسئله مربوط به زن و مرد نبود زن یک تکالیف شرعی دارد مردم هم یک تکالیف شرعی (خنده نمایندگان) البته چیزی نمیگوید و زنش هم اگر نجیب باشد باو چیزی نمیگوید. اما مرد میبرد، گناه این برگردن دستگاه کشاورزی است کسی نیست جز شاه شاه زحمت کشید گفت بروید بخورید ولی بگذارید کشاورز ایرانی با خون دل این پول را نخورد بگذارید باصرف

باعزت نفس داده شاه را بخوردنه باناراحتی، باخون دل نخورد. شاه زحمت کشیده در آمدن تولید کرده از شرکت نفت خلع پذیر کردن مگر کار آسانی بود؟ اینکار به کار شاهنشاه ایران بود صنعتش را بدست ایرانی دادن کار هر کسی نیست (آفرین) بگذارید کشاورزی ایرانی بنشینند و بازن و بجهش بخورد و بچندد و سر بزیر نباشد اما دامداری - مدینه گفتم و کردی کبابیم این آقای پردلی که دلش از این موضوع پر بود کجاست؟ موضوع دامداری است ارتش ایران ضمن اینکه برای استقلال مملکت جانبازی میکند بکارهای دیگری هم گاهی اوقات دست میزند و کارهایش همیشه در نوع خود بهترین است مثلاً این ارتش که بکمک وزارت راه هم می رود و گاهی جاده سازی میکند و در منطقه ما ارتش یک مؤسسه دامداری احداث کرد و بهترین نمونه دامداری سنتی در آن منطقه است بهرحال خیلی معذرت میخواهم من حالا به اصل مطلب می پردازم جناب رئیس همکاران ارجمند خانم ها آقایان بحث «کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۵۵» که دولت به مجلس شورای ملی تقدیم داشته مطرح می باشد آنچه مسلم است برای تنظیم این بودجه که از لحاظ مبلغ در تاریخ بودجه کشور ما بی سابقه و غرور آفرین است و مردان وزانی تحصیل کرده بصیر - مطلع در سطح روستاهای اقصی نقاط مملکت تا پایتخت باتلاش شبانه روزی برای بی بردن به احتیاجات ضروری الایم فی الایم در چار چوب برنامه پنجم برای سال ۱۳۵۵ برنامه ریزی و بر مبنای آن سازمان بودجه و برنامه بر حسب احتیاج - طرحی را برای سازمانهای مسئول تأمین اعتبار نموده که بنده نه اهل برنامه ریزی و نه اهل تنظیم بودجه می باشم حرفه من کشاورزی است من به این زنان و مردان زحمت کش درود میفرستم و اگر به نظر من میرسد که در فصول آن کم و زیاد هست و یا اولویت زیاد رعایت نشده یا مقدورشان نبوده یا مثلاً ترجیح آنها به دادن اعتبار بر قطب صنعتی بیشتر از احتیاج کشاورزی و دامداری صحیح تر باشد و من از دید خود اعتبار کشاورزی را کمتر میدانم بهتر تقدیر دولت به مجلس توضیح خواهد داد اعتقاد نمایندگان محترم بر صحت تنظیم بودجه برای من حجت خواهد بود - همکاران عزیز ما قبل از سلطنت پرافتخار دودمان پهلوی برنامه و بودجه نداشتیم و ملت ایران آگاهی از مسئله خرج و دخل مملکت نداشت طلوع خورشید پهلوی مملکت ما را بصورتی در آورد که با تنظیم بودجه و نظارت مجلس

شورای ملی به خرج و دخل مملکت دنباله آن را داشت که سازمانی بنام بودجه و برنامه وجود آید بصورتی افتخار آفرین طرحهای عظیم عمرانی و صنعتی در کشور برنامه ریزی و تأمین اعتبار کند و برای تصویب در تمام ادوار گذشته و حال دولت تقدیم ساخت مقدس مجلس شورای ملی نماید. همکاران این صحیح است که نمایندگان ملت از هر صنف و طبقه نماینده ملت ایران بوده و هست اما در دوره رستاخیز با همان شرایط شکل دیگری به خود گرفت زیرا از تمام گروه های مملکت نماینده انتخاب شده و آنها هستیم جز به شاه ایران و خاك ایران و استقلال ایران و ملت ایران بهیچ چیز دیگر فکر نمی کنیم آنچه به نظر برسد که خیر و صلاح و رفاه اجتماعی ما باشد به دولت خدمتگذار شاهنشاه توجه خواهیم داد در اردیبهشت ماه سال جاری بود در کنگره بزرگ حزب رستاخیز ملت ایران فرمان شاهنشاه به ملتش فرمودند در انتخابات آینده نمایندگان انتخاب کنید که بتوانند خواسته های شما را بازگو باشند و شما در قلب آنان جا داشته باشید و آنها را درست بشناسید و دوست داشته باشید (یکنفر از نمایندگان - چه فرمان یزدان چه فرمان شاه) بر مبنای فرمان نمایندگان انتخاب گروه کشاورزان زحمت کش کشور که ۶۰٪ جمعیت کشور را تشکیل میدهد نماینده های خود را انتخاب و به مجلس گسیل داشتند بنده افتخار میکنم که یکی از آنان می باشم (احسنت) جناب آقای نخست وزیر اعتباری که دولت در امر کشاورزی و امور روستائی تأمین نموده و در اقلام بودجه مشاهده میشود قابل تحسین و بی سابقه است اما این اقلام رفع احتیاج نموده و جوابگوی نهضت کشاورزی زمان رستاخیز و تشویق کشاورزان و تأمین فرآورده های کشاورزی و دامی نیست و ضرورت زمان حکم میکند بیشتر به امر کشاورزی توجه شود و این هم خواست رهبر اندیشمند و توانای ما میباشد.

همکارانم که تخصص در کار بودجه و برنامه دارند توضیحاتی دادند و خواهند داد. آنچه که بنده میخواهم به دولت توجه بدهم در مورد سیاست کشاورزی و دامداری است که جناب آقای وزیر محترم کشاورزی در موارد عدید به آن اشاره نموده و اعلام داشتند.

فرمودند ۱ - سیاست ما کشیدن روستائینان به سوی شهرها و جذب آنان در کارهای صنعتی است ۲ - دامدار را از صورت چرادرمرانع و هوای آزاد به زیر سقف و استقرار دائمی آن در میآوریم.

من باید قبلاً عرض کنم جناب آقای مهندس روحانی وزیر محترم کشاورزی را از سربازان فداکار شاهنشاه آریامهر و دلسوز به مصالح مملکت میدانم و تلاش شبانه روزی ایشان قابل انکار نیست اما اشتباهات گذشته و وزارت کشاورزی و سیاست اعلام شده در موردی که عرض کردم نه تنها کشاورزی و دامداری را به صورت مطلوب در نخواهد آورد بلکه بصورت فعلی هم نخواهد ماند و وضع اسف انگیزی در بر خواهد داشت سعی ما باید این باشد تا خرج کم و وقت کم استفاده بیشتر ببریم همانطور که عرض کردم من به وزیر کشاورزی ایمان دارم او مرد با جرأت و پرحرارتی است ولی هر آدم کاملی هم ممکن است اشتباه کند. اشتباه مرجوع الظرفین است. هر کس اشتباه کرد باید بگوید اشتباه کردم در این مملکت تنها یک نفر دستور میدهد و جز او هیچکس نمیتواند دستور بدهد و او هم شخص شاهنشاه است (صحیح است). در جلسه مشترک نمایندگان سنا و شورا که با حضور جناب آقای نخست وزیر تشکیل شده بود آقای متولی نماینده سمنان در مورد چرا و مرتع توضیحات صحیحی دادند آقای وزیر کشاورزی بطور آمرانه فرمودند با زمین دستور را تا نکند میکنم و زیر حق ندارد با نشت و غیض با وکیل صحبت کند آقای وزیر کشاورزی در امر کشاورزی تخصصی ندارند، کشاورزی چیزی است که تخصص میخواهد (دکتر کیان - وزیر باید مدیریت داشته باشد) برای اینکه وقتی من به رئیس تعاون میگویم در حمام خشت خام کار گذاشتید میگوید: تو تخصص نداری! میگویم: خشت خام در حمام هیچ تناسبی ندارد، میگوید: تو تخصص نداری (خنده نمایندگان)!! خوب منم لال میشوم چون حتماً تخصص ندارم. من حرفم را بر حسب وظیفه نمایندگی گفتم. و آنها هم گفته که شما بجای خشت خام آجر بگذارید اگر بهتر نبود من حرفم را پس میگیرم. اینکه عیبی ندارد شما که همکار من هستید بگویند اگر آجر می گذاشتند بهتر نبود؟ (خنده نمایندگان) به آقای استاندار نوشته و ایشان دستور دادند و مدیر کل تعاون و امور روستاها بمن گفت: فلانی چرا - به خودم نگفتم؟ چه او گفتم به آن زیر دست تو که مجری برنامه هایتان است عرض کردم. من که از این سازمانها و اصطلاحات و برنامه ریزی و نوسازی و زیربازی و غیره چیزی نمی فهمم. این سازمانها کلاف سردرگمی شده که همه را گیج میکنند. ده بیست تا خط کشیده اند و میگویند اگر از وسط اینجا بگذری و کیل خوبی هستی. من باروی سفید به اینجا آمدم امیدوارم با روی سیاه برنگردم شما را به خدا شاه را آگاه کنید (آفرین - احسنت) (یکی از نمایندگان - شاهنشاه آگاه هستند) بلی شاهنشاه آگاه هستند ولی چه می مانند پشت کوه چه خبر است؟ (قاسم زاده

همه حمام ها را باخشت خام ساخته اند) من حمام خودم را می گویم. حمام شما را خبر ندارم حتماً حمام شما پیش ساخته است: بهرحال گفتنی زیاد دارم ولی وقت شمارا نمی گیرم. امیدوارم کشاورزی ما یک روز در دردی بزرگترین کشاورزی جهان درآید (احسنت) می خواستم در مورد راه روستائی هم صحبت کنم ولی مکذرم. البته اگر من زیاد حرف می زنم حق دارم، گذشته از اینکه آیین نامه داخلی مجلس اجازه میدهد که در بودجه بحث آزاد است من نماینده شهرستان هم هستم: نماینده شهرستانهای دهلران دره شهر و مهران، همه درباره راه روستائی صحبت کردند که شریان حیاتی کشور است. من هم همین عقیده را دارم ولی دیگر این عبارت را تکرار نمی کنم چون با تکرار شیرینی آن ازین می رود. طبق تقسیمات کشوری ما ده داریم، بخش داریم دهستان داریم، شهر و شهرستان داریم و استان داریم و خود شما بهتر می دانید اگر مرکز بخش راه نداشته باشد ارتباط با دهات دیگر ممکن نیست در یکی از مراکز بخش حوزه انتخابیه ام وزارت راه سه سال قبل راهی تحویل گرفته و یک بنده خدائی آمده مقداری خط کشیده و رفته ولی بعد از مدتی راه خراب شده است. در آن موقع این موضوع را با فرماندار کل گفتم، گفت این وظیفه اداره راه است، او باید درست کند. رفتم استانداری و به آقای استاندار گفتم این راه برف گیر است، کوهستانی است، این یک راه روستائی است درست کنید، بهرحال پرونده این راه را تحویل گرفته و بپاداره راه رفتم و موضوع را در میان گذاشتم، گفتند درست می کنیم ولی درست نشد آقای شهرستانی شما مرد خیلی خوبی هستید ولی برای منطقه ما وزیر راه کم لطفی بودید نمیدانم ما از زن صیغه ای هستیم که ارت نداریم ولی خدا میداند صیغه ای نیستیم آقای وزیر راه شما یک معاون دارید که اصلاً حرف نمیزند نمیدانم حرف زدن بلد نیست یا بامن قهر است آقای شهرستانی شراورا از سرما و بقیه آقایان کم کنید و یک کس دیگری را بیاورید که لااقل حرف بزند خوب معاون شما یک معاون است و این آقای رهبری هم یک معاون ایشان هر وقت سلاشان میکنم دنبال من می آید احوال برسی میکنند و چندین بار می پرسند رفعتی کاری داشتی؟ اگر کاری داری بگو انجام بدهم واقعاً من شرمندم ایشان هستم البته این را هم بگویم که تا بحال کاری برای من انجام نداده اند و همه اش تعارف بوده ولی خوب لااقل تعارف را میکنند (خنده نمایندگان) بیخشید آقای رهبری اگر میگفتم کاری برای من انجام داده اید سایر همکاران باشما بدمیشدند بهرحال اینها را که میگویم به این معنی نیست که در منطقه ما اصلاً کاری نشده نه به امر

شاهشاه جاده‌های بسیاری در مملکت ساخته شده و تعداد زیادی از این جاده‌ها هم در منطقه ایلام است ولی خوب اجازه نفرمائید آقای وزیر راه بگویند که این بیست کیلو میر جاده ایلام - بهران ساخته نشد که نشد همینطور من اشخاص شریفی را می بینم در این کوره راهها که واقعا باید بگویم افراد با شرف و با وجدانی هستند و آنوقت میگویند فساد در داخل کارمندان است من مهندس جوانی را می شناسم چندین سال در خارج بوده و حالا در منطقه ما مأمور ساختن راه است روزی با او صحبت میکردم و گفتم تو دردت چیست؟ چون من وکیل این منطقه هستم به امیر شاهشاه بپردازم دل مردم میرسم گفت تو درد دل مرا دوانمی کنی گفتم میخواهی آن آلتک معروف را برای تو بخوانم گفت من قیر ندارم تکنیسین آزمایشگاه هم ندارم گفتم خوب دیگر چه نداری؟ گفت همین ها را اگر بمن برسانی بقیه پیشکشت فوراً آمده به تهران و یک راست آمده سراغ آقای مهندس شریف رازی با خودم گفتم خوب معاون پارلمانی برای همین است جریان را با او گفته بدون اینکه حرفی بزنند بجزم را گرفت و برد فقط دو کلمه معاون فنی از او شنیده مرا برد پیش آقای دبا معاون فنی ایشان گفته سیمیه ندارید حالا دیدید آقای دکتر شادمان شما هم مرد بزرگواری هستید (صحیح است) واقعا مرد بزرگواری هستید (نمایندگان - صحیح است) ببینید برایتان تأیید هم گرفته با این بزرگواری که مورد تأیید همه نمایندگان هستید راجع به قیر آن مهندس جوان نامه نوشته یک ماه گذشت خبری نشد (خنده نمایندگان) دو ماه گذشت خبری نشد بعد نوشتند که دستور دادیم تکنیسین نفرستند حالا من که وکیل این منطقه هستم منکه به آن مهندس جوان قول دادم بیروم بیس وزیر راه پیش آقای مهندس شریف رازی و کارتان را درست میکنم به این مردم چه جوابی بدهم؟ واقعا شرم آور است شما را به رسول الله اینقدر به حرف زیردستانان گوش ندهید همانطور که گفتم البته ما آدم شریف بین کارمندان دولت زیاد داریم ولی همه اش به حرف زیر دست خودتان گوش نکند بعضی از اینها واقعا بند بازند بین آنها متقلب هم هست روایتی هست که از ائمه اطهار است و زمانی که مستقلین زیاد است هیچکس اعتماد نکند و در زمانیکه دستکاران زیادند همه اعتماد کنید ما وظیفه داشتیم بگویند و گفتیم و دین خودمان را بشاه و مردم ادا کردیم دین خود را نسبت بحوزه انتخابیه مان ادا کردیم چون گفته اند لیس للانسان الا ماسعی ، ما سعی مان را میکنیم

حالا خودت دانی و خدای خودت و مملکت خودت و شاهنشاه خودت (نمایندگان - احسنت - احسنت) در منطقه ما مشکلات زیادی هست مثلا یک قاضی ماشیح ندرد ولی مطالعه کار چهارتا ماشین دارد کادیلاک دارد هودسن دارد ولی قاضی که سرنوست انسانها در دست اوست قاضی که شریف است ، محتاج است ، درحالی که قاضی باید در رفاه کامل باشد چون عقل سالم در بدن سالم است برای قاضی باید عقل سالم ایجاد کرد درحالیکه قضات مابول ندارند ماشین بخردند (خنده نمایندگان) توجه نفرمائید وقتی قاضی پول نداشت که ماشین بخرد و چون بچه دارد که باید او را ب مدرسه برساند و چون غرور دارد و عزت نفس دارد سوار ماشین دیگران هم نمی شود او باید ب همه کارهایش برسد و سر موقع هم در محل کارش باشد پس میدود برای انجام همه اینکارها میدود و تنگی نفس میگیرد و مریض میشود و در مناطق ما هم دکتر و دارو بصورتی نیست که در تهران است گومی بیاورند باز و بند بیاورند و فشار خون بگیرند این خبرها نیست قاضی بیچاره مریض شده ، عرض کردم آخر چه ضرر داشت شما را به خدا اگر قاضی ماشین داشت چه میشد این است که عرض کردم عقل سالم در بدن سالم است ماشین برای ایشان تهیه کنید تا با اینصورت مریض نشوند جناب وزیر دادگستری اگر یک قاضی ماشین داشت چه خوب بود شما به اقساط پولش را از او بگیرید البته عذر می خواهم قاضی شتایش بالاتر از اینست که من از او تعریف کنم قاضی شرفش بالاتر از یک شخص عادی است من عذرمی خواهم من هنوز به آن حد نرسیده ام ، انشاء الله در اثر ارشاد شما و دوستان به آن حد میرسم و بعد تعریف می کنم . بلی خون عشیره ای من بمن غلبه کرده که این جسارت را کنم شما فکر کنید به حال این قضات که همه شان مردمی با شرف هستند . من با آقای وزیر مشاور عرضی دارم در سال ۱۳۵۲ دستور رسید که کارمندان مرزی سیستان و بلوچستان و ایلام و پشتکوه ۲ درصد حق مرزی باید داشته باشند . صد درصد هم مرزای می خواهند بنابراین ۱۲ درصد به این کارمندان باید اضافه داده شود سیل تلگراف و نامه بود که راه افتاد از همه جا کارمند و دبیر داوطلب خدمت در این مناطق شد ولی درست روز عید هنگامی که به کارمندان دولت عیدی میدهند دستور رسید که آنها که ۹۹ درصد باید بگیرند ۵۴٪ به آنها بدهند و بانهائی که ۱۲ درصد تعلق میگیرد ۷۶ درصد بدهند بدیختها زندگی شان را

بربنیای این حقوق قرار داده بودند لباس بچه لباس خانم لباس خودش قسط فرش حالا این کارمندان بیچاره زیر قسط اینها می ماند و جان می کپد - بیخجال خریده تلویزیون خریده آورده منزل و یواشکی تلویزیون را باید ببرند حتی به فروشنده گفتند هرچی خریدیم ۶٪ کسر کن . چطور شد که این کارمندان ترقی کرده بودند چیزی از جانی بهشان رسیده بود به خدا آقا هیچ چیزی نرسیده بود و کارمندان از سیستان و بلوچستان و از ایلام و پشتکوه برنشدند این را استدعایم کنم توضیح نفرمائید به رفاه کارمندان که از اوامر شاهنشاه است توجه نفرمائید یک مغزلی هم راجع به بیمه دارم برای اینکه وقت زیاد نگیرم یک مثالی میاورم که همه بدانند در خیابان تراب یک ساختمان سه طبقه است نوشته شده بیمه های اجتماعی این قسمت ماشین هائی که تصادف می کنند باید بروند آنجا درست کنند که از لحاظ خسارت ارزیابی شود ( خنده ) ببخشید اسمش بیمه ایران است ، من ماشینم که لندرور است تصادف کرده بود یک ماشین مدل ۷۶ را زده بود داغانش کرده بود به این مرد با شرف گفتم بگذار افسر بیاید این را ببیند و خسارت را برآورد بکند گفت نمی خواهم گفتم برویم بیمه لافل حدا کثر بیمه شخص ثالث را بگیرد شاید او کاری بکند رتیم بیمه چون برنده نداشت گفتند تا ۵۰ تومان میدهم گفتم خیلی خوب گفت باید ماشین را بیاورید گفتم کجا پارک کنیم یک پارکینگ دارند که ۱۷ ماشین بیشتر جای نمیگیرد و تعلم را ریخته بودند آنجا برای رفع تصادف بطوریکه خودشان در آنجا تصادف میکردند خوب این پولی که از بریم می گیرید پارکینگ بزرگتری درست کنید این ترافیک که در خیابان تراب راه انداخته اید برای چیست؟ یک زمین وسیع اگر داشته باشید به ترافیک تهران هم کمک می کند من دهاتی این مسئله را تشخیص دادم اما آن رئیس تشخیص نداد او هم باید تشخیص داشته باشندم آخرین کلامم را، البته اعتراضی نیست یک وصیتی است بدولت (مهندس صائی - توصیه است) من چون زن و بچه ام اینجا نیستند بیکارم در موقع تشکیل کمیسیون بودجه همیشه پیش آقای دادفر بودم یک بحثی

داشتیم در مورد مرئی و اولیاء من خیال می کردم که اینها می خواهند اولیاء الله تربیت کنند گفتم این وظیفه شخص خودش است گفتند تودهائی هستی و این یک سازمانی است که می رود به دهات و شهرها و از دخترها و پسرها می پرسد که می خواهید چه کاره شوید؟ یکی می خواهد مهندس شود یکی دکتر شود خوب این دختر خانمها هم می خواهند چه کاره بشوند؟ معلم بشوند ، آن دیگری کشاورز، آن یکی قصد دارد دکتر بشود ، آماز راجع می کنند می آورند مرکز مملکت بعد اینها را بر پایه های ذخیره های ملی و انسانی دولت برنامه ریزی می کنند ، مردم مشخص باید داشته باشند ، ما هم معلم و متخصص لازم داریم شما هم خانم طالقانی قبول ندارید که دبیر ریاضی ندارند خودشان رفته و رسیدگی کرده اند و این را تأیید کردند . گفتم مبلغ چقدر است آقای دادفر گفتند سه میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است مبلغ زیاد نیست باید دید که کیفیت چطور است؟ فلسفه اش چطور است وزیر آموزش و پرورش مژده داد به شما نمایندگان رستخیز که دبستانها را بجای دو هفته ، سه هفته کرده ایم چرا؟ برای اینکه جا نداریم چرا جانداریم؟ ما محل نشستن بچه ها را نداریم آن که می خواهد مهندس بشود دکتر بشود قاضی بشود وکیل بشود که رقیب من شما بشود خوب جناب وزیر چه عیبی داشت این را معلم تصور و روستا و اگذار می کردید از بچه ها و جوانها میبرید خوب پسر جان چه کاره می خواهی بشوی میگفت می خواهم بجای دکتر شادمان وزیر مشاور بشوم خوب تو میخواهی چه کاره بشوی جواب میداد وزیر دادگستری میشود یکی دیگر هم می گوید من هم می خواهم وکیل بشوم و رفیقی برای من پیدا میشود آن دیگری میخواهد صاحب کارخانه بشود آن دیگری کارگر بشود همه اینها را ضبط می کنند می فرستند به وزارت خانه سه میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رقم کمی نیست ساختمان کرایه کنند در همین تهران میشود ساختمان های خیلی خوب ساخت با سه میلیون و پانصد هزار تومان خیلی کارها میشود کرد . به هر حال در مورد کشاورزی فقط صحبت می کنم . کشاورزی تا وقتی بازدهی نداشته باشد کاهش تولیدش حتمی است برای افزایش تولید باید ارزش تولید بنحوی تأمین شود که در زندگی تولید کننده

مؤثر واقع شود در این صورت می توانیم به افزایش تولید امیدوار باشیم. محصولات ما روی نظر خاصی تهیه شود تا تولید کننده را ورشکست نکند. تعیین نرخ عادلانه، اقساط طولی مدت اقساطی که بنگاه توسعه ماشین های کشاورزی میدهد درزیادی برداشت محصول اثر دارد.

حالا قبری هم بپردازم به یادداشت هائیکه تهیه کرده ام هدف شاعشته ما و ایلام زمان آن و خواسته ملت ایران در انجام فرمان شاهانه به رسیدن دروازه های تمدن بزرگ معین شد کوشش همه جانبه ملت و دولت ایران بایستی نحوه بهتر و سریع برای رسیدن به آن روز بروز فزونی یابد - جای تردید نیست کشور پهناور ما با داشتن استانها و مناطق زیاد دارای شرائط اقلیمی خاص در نقطه می باشد و جناب نخست وزیر و هیئت محترم دولت به این شرائط زمانی و مکانی آگاهی دارند و توجه فرمودند هر منطقه استعدادی در امر کشاورزی و دامداری دارا می باشد و احتیاج به اجرای برنامه های متفاوت است کشاورز زمان انقلاب در یک زندگی مرفه که قابل قیاس با هیچ دوره از زندگی کشاورزان تاریخ مملکت ما نیست بشتر میرسد و استعداد ذاتی او در اثر گسترش آموزش و پرورش و تسهیلات برای مسافرتها و دیدن شهرها به منصفه ظهور درآمده زندگی زمان رستاخیز ملت ایران را می خواهد او می خواهد خدمات شهری در ده داشته باشد احتیاج بترانکتور و ماشین پیدا کرده وزندگی بهتر او مخارج تحصیل فرزندانش بالاتر از سطح ده درآمد بیشتری خواهد داشت است این هدیه شاهنشاه به ملت ایران و خاصه کشاورزان است برنامه ریزی برای کشاورزی در استان گیلان و استان مازندران با سیستان و بلوچستان و همدان و کردستان متفاوت است و برنامه خراشان با خوزستان و ایلام پشتکوه و کرمانشاه باید تفاوت داشته باشد دامداری در سنگسر و مغان با مهران دهلران و خوزستان متفاوت است چه میشود کربل جالب منافع و دفع ضرر از حقایق زندگی انسانها است وزارت کشاورزی بایستی یک برنامه صحیح کاشت در تمام مناطق مملکت به مقتضای شرائط اقلیمی و استعداد زمین داشته باشد و تعیین کاشت کند که چقدر گندم - برنج - چو - ذرت - پیاز - سیب زمینی - حبوبات - گیاه علوفه - سبزیجات - به چه مقدار و در چه محل کشاورزان بکارند - متأسفانه اکتفاء به تشکیل ادارات ترویج نموده در حالیکه مروج برنامه ندارد هدفی برایش که در بالا عرض کردم معین نشده که کشاورز را هدایت کند در جای معین یا

کشت خاصی دستور دهد در نتیجه این نابسامانها و اختلافها در وضع کشاورزی پدیدار گشته گاهی می بینیم پیاز و سیب زمینی روزی گندم و برنج بحث مردم و روزنامه هاست سالی یک کیلو پیاز ۲ ریال سال بعد ۸۰ ریال سیب زمینی ۴ ریال سال بعد ۳۰ ریال گندم و برنج کم داریم باز سالهای بعد خوب است پیاز هر کیلو ۶ ریال می برسد آقا چرانست چرا گران شده عذر از زیاد جمعیت را عنوان می کنند سیب گندم ۲۰ پیاز و سیب گران شد سال ۱۳۰۴ ارزان تر سال قبل و سال ۱۳۰۵ گرانتر است عذر مصرف زیاد شده جمعیت زیاد شده درست نبوده و نیست همین سال جاری کشاورزان دیم کار یک قسمت از زراعت گندم خود را درو نکردند و شاید هر تخم ۶ تا ۶ تخم میداد صرف نکرد گاهی محتاج به خرید گندم و برنج می شویم با چند برابر قیمت فروش برای دولت تمام میشود هندوانه کاری به کرایه حمل آن نمی ارزد و کاشتن آن ترك میشود باغدار از غرس درخت پشمیان این عدم هماهنگی دستگاه کشاورزی و سیاست با زمان ما و کشاورزی ما عواقب خوبی در بر نخواهد داشت آن سیاست گد می خواهد روستائین و کشاورز زحمت کش را بسوی قطب صنعت جذب کند روستا را از سکنه خالی و تولید کننده را مصرف کننده نموده و به ناچار دنبال بازار خرید باید برود و خدایان مواد غذایی هم معلوم است چگونه معامله می کنند این عمل با روح ایرانی - شرف ایرانی - و مصلحت ایرانی موافق نیست.

مسئولیت دستگاهها در امر خرید و قیمت گذاری فرآورده های کشاورزی و دامی مبهم و نامشخص است وزارت بازرگانی خریدار و قیمت گذار است آیا اطاق اصناف؟ وزارت کشاورزی مسئول حمایت از کشاورز است یا وزارت تعاون و امور روستاها؟ یک قیمت از فرآورده های کشاورزی مانند سیب زمینی - پیاز و غیره برای ماندن زیاد هم وزن آن کم میشود چون خشک شدنی است و فاسد شدنی برداشت این محصولات در اواخر بهار و اوائل تابستان است بازار شهری قیمت ده ریال در کیلو تعیین میکند و در زمستان ۱۱ تا ۱۲ ریال نرخ رسمی است بنده سؤال میکنم کما تفاوت کرایه در زمستان و تابستان را میدانید؟ فزونی دارد کرایه انبار ۸ ماه - فاسد شدن - خشک شدن - حملی انبار کردن و خارج نمودن چقدر تمام میشود اینها را کی پرداخت می کند در نتیجه پیاز هم کم میشود اگر وزارت کشاورزی و یا تعاون و امور روستاها مسؤولیت را حسن کند ممکن هم است مسؤول

نباشند در قیمت گذاریها اگر کشاورز متضرر نشده بود از کاشت محصولات فراری نبود اگر محصول کشاورز را در محل کاشت از او تحویل بگیرند یا بضمن باشد میخرند بخدا کاشت میکند استفاده هم میرسد و صادفانه عرض میکنم محتاج به وارد کردن پیاز و غیره نمی شویم اگر باغداران در باجانی و گیلانی و یا زنجان و خراسانی حمایت بشوند ما چه احتیاجی به واردات مرکبات و میوه داریم و برای تکمیل آن موز را به بازار عرضه کنیم و ضرر آنرا بدعیم تمام پیرمردها اعلام میدارند موز باب دندان بزد نمی خورد سرگیجه هم دارد و اصلاً بهای تعیین فرآورده های دامی و کشاورزی بایستی با وزارت کشاورزی باشد نه مرکز بررسی قیمتها که حمایت از مصرف کننده باید داشته باشد چرا باغدار زنجان انگور را به بازار تهران می رساند عایدی که نبرده پول صندوق جای انگور را هم متضرر شده زرد آلودی درخت چراماند؟ شاید فکر کنید مزد کارگر زیاد است ابداً مزد کارگر زیاد نیست بلکه کم است به نظر من عدم حمایت از محصول این بیسرآمدها را برای باغدار از روستا به شهرها کمک خوبی است و جذب به قطب صنعت و رفتن دنبال سرنوشت غیر معلوم در شهرها. شما قبل از وقوع این حادثه ترک روستا باید جلوان را بگیرید و با دادن برنامه کاشت و حمایت از آن تثبیت قیمت، تعهد خرید، بیمه محصولات - ارشاد و تأمین بذر و کود سالم - سم پاشی به موقع این نیروی خلاق و سمرتمرزاد زده نگهدارید. کشاورز دیم کار را از سطح مزرعه به کنار زنان قالی باف نکشاید الحمدالله درآمد در مملکت ما زیاد و سرانه آن برای عمر نقر بمرز یکصد و بیست هزار ریال رسیده دامداران مملکت در سراسر نوار مرزها ذر کنار مزرعه خود ساکن هستند این زنان و مردان شاه دوست و وطن پرست تنها کار آنها کشاورزی و دامداری نیست بلکه مرزدارانی غیور و با ایمان و پرورش دهنده سربازان فداکار شاه و میهن میباشند در کنار طبقه مقدس ملی و میهنی که دارانی با صداقت و با اصالت که کارشان تأمین گوشت و فرآورده های دامی برای هم میهنان عزیز خود میباشد زندگی دانی آنان در صحراهای سوزان فصل تابستان و سرمای زمستان کومسارها است و بطور سنتی به کارشان ادامه میدهند، برای بقیود وضع آنان برنامه های تأمین علوفه خشک و مراتع طبیعی - تأمین آب از طریق حفر چاه های نیم عمیق و عمیق در جاهای مناسب و جلوگیری

از کوچ به مسافت های طولانی و خرید فرآورده های دامی در محل و محدودده تعیین شده مراتع برای هر دسته از دامداران که اختلافات مجلی ایجاد نشود، تأمین علوفه گیاهی در مناطق گرمسیر و معتدل به صورت دامداری در هوای باز و آزاد تجربه صدها سال دامداران مملکت است که گوسفند در هوای باز با داشتن علوفه - ۱۰ روز یک بار تغییر مکان در شعاعی که بیش از ۱۰ کیلومتر نباشد عایدی زیاد خواهد داشت و وجود آمدگی برای امراض ندارد و در آنجا نیکه ایجاب کند گوسفند در زیر سقف باشد بایستی وسیله علوفه آن را آماده ساخت که در فصل زمستان احتیاج به وارد کردن از جاهای دیگر نداشته باشد خرمنوع سیاست و برنامه برای ازدیاد درآمد بایستی باشد. تجربه نشان میدهد شرایط اقلیمی مراکز دامداری در هوای باز مناسب تر است از زیر سقف (به اصطلاح قدیم یعنی در طویل) بنده برای نمونه به اطلاع جناب نخست وزیر و هیئت دولت میرسانم ارتش شاهنشاهی ما که همیشه پیش قدم در سربازی و جان بازی است در موارد دیگر نیز خدماتی انجام میدهد از جمله دامداریهای ارتش در مناطق مخفی و قسمتی هم در دهلران حوزه انتخابیه بنده دارند در ابتدای تأمین بکن دامداری مدتی آنها را در زیر سقف نگهداشتند و سایه بان های متعددی ساختند اما تلفات آنان بیشتر میشد و اکنون در هوای آزاد پرورش میدهند که بهترین استفاده را می دهد منتها همانطور که عرض کردم آنها هم از مراتع هم از علوفه خشک استفاده می نمایند. جناب وزیر کشاورزی با تحقیق از دامداری ارتش و یک دامداری دیگری که در زیر سقف پرورش میدهند ملاحظه خواهند فرمود که تفاوت ره از کجا تا به کجا است.

البته در مورد دامداران روند که صدها قریب مسافت بیلاق و قشلاق در حرکت هستند و جز تخریب علوفه و مراتع دیگران خودشان هم استفاده نخواهند برد و در فصل زمستان مزاحم دامداران بومی شده و باعث گرانی علوفه خشک و سیرت امراض دامی میشوند بایستی یک سیاست اتخاذ شود در مناطق معین بمانند و با تحصیل یک کارت چرا تمام مراتع بر زمینان را از بین نبرند من از جناب وزیر کشاورزی میخواهم که توجهی داشته باشند به تجربه کشاورزان و دامداران و صاحب نظران در امر کشاورزی استفاده فرموده و بانظر کارشناسان آن وزارت خانه سیاستی اتخاذ فرمایند که کشاورزی و دامداری مادر در دست بزرگترین کشورهای

کشاورزی جهان درآید میخواستم مفصل درباره راه روستائی و ماشین آلات کشاورزی صحبت کنم اما بهجملاتی کوتاه اکتفا مینمایم.

شریان حیاتی روستا راه روستائی است که دولت بایستی سعی کند در تمام روستاهای کشور ساخته شود و دیگر در مورد ماشین آلات کشاورزی است که بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی مدت اقباط آن راضولائی و تعمیرگاههای مجهز در تمام استانها داشته باشد مثلاً در بعضی استانها ندارد کارمندان دولت که از زحمت کش-ترین گروههای اجتماعی ما هستند و با صداقت کارشان را انجام میدهند در تأمین زندگی و آسایش آنان مخصوصاً قضات شریف دادگستری توجه شود این اختلاف حقوقها نباید باشد و مزایای کارمندان استانهای مرزی همانطور که تا سال ۱۳۰۳ معمول بوده اقدام شود که بتوان کارمند و دبیر و معلم را به آن نقاط صعب المعیشه جلب نمود. آخرین مطلب در مورد منابع طبیعی است جناب آقای وزیر کشاورزی و منابع طبیعی بنام منابع ملی بیشتر زمینهای زراعتی هزاران ساله کشاورزان را اعلام نموده اند که دست کشاورزان آنها کوتاه بشود طبق قانونی که در سال ۱۳۱۱ از مجلس شورای ملی گذشت در زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر زمینهای خالصه به کشاورزان اعطاء شد هر کدام چه حکمتار حد اکثر و در انقلاب اصلاحات ارضی ورقه نسق به آنها داده شده آنوقت بوسائلی که آنها اطلاع ندارند بوسیله اعلان در روزنامه ها حقتشان را ضایع میکنند من یک نمونه از آن را میخوانم و قضاوت آن را بر رئیس دولت و نمایندگان مجلس بابت زمین آبی هزاران ساله منابع ملی شده عجیب است! چون شب است و دعای شب قرین به استجاب است اینک من دعایم که خداوند شاهنشاه بزرگ ما و خاندان جلیل سلطنت را سلامت و جوادان بدار، مملکت ما را از شر دسیسه های اجانب حفظ بفرما. زنده باد شاهنشاه پاینده ایران (احسن - احسن)

رئیس - تسمار بیات بفرمائید.

تسمار بیات - جناب آقای رئیس - هیئت محترم دولت. نمایندگان محترم، باینکه امکان داشت روی نکته هائی که میخواهم باستحضار برسانم چند ساعت بحث کرده و نتیجه مورد نظر را بدست آورم ولی مطالب را باختصار کامل بیان میکنم و مطمئنم با اطلاعات وسیعی که شما عزیزان دارید از این مختصر تمام مطالب و منظور غائی این خدمتگزار را احساس خواهید فرمود قبل از آغاز سخن درباره بودجه سال ۱۳۰۵ لازم میدانم مراتب سپاس و شکرگزاری بی پایان خود و سایر نمایندگان محترم دوره بیست و چهارم مجلس شورای ملی را به پیشگاه پروردگار توانا معروض دارم

که بما توفیق عنایت فرمود تا در زمره نخستین نمایندگان دوران افتخار آفرین رستاخیز ملت ایران بوده و در شرایطی بساهی به خدمتگزاری ایران بزرگ هستیم که رهبریهای اندیشمندانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، کهن ایران مقدس را بسرمزلی ازینکجختی و سرفرازی واصل نموده است که نه تنها بمرحله درخشان دوران ایران باستان دست یافته ایم بلکه برکهای زرین و غرور انگیز پیروزیهای متعدد و گوناگون دوران شکوفان سلسله جلیل پهلوی بطور اعم، ثمرات و اثرات افتخار آمیز و شگفت انگیز و تداوم ابرو عالمگیر رهبر عالیقدر ملت ایران محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه آریامهر بالاخص، فصلی نوین و بی سابقه در تاریخ ... ۲۰ ساله این کشور گشوده است (صحیح است - احسن).

بر همگان روشن است که قسمتی از بودجه سال ۱۳۰۵ محصول ثروت خدا دادی این کشور میباشد که باراده و ابتکار شاهنشاه بزرگ ایران از حلقوم یگانگان بیرون کشیده شده و قسمتی از آن حاصل دسترنج ملت شریف ایران است که با اشتیاق وافر و طیب خاطر جهت اداره صحیح و منظم کشور پرداخت و جمعاً در اختیار دولت خدمتگزار ایران قرار خواهد گرفت.

امیدوارم این بودجه افتخار آمیز کشور بطور صحیح وصول و در مصرف آن، طوری نظارت شود که تمامی مردم این مرز و بوم معتقدانه اصالت مصرف و بهره برداری مثبت آنرا تأیید نمایند.

من با توجه بععمق بررسی و اظهار نظرات کفیسون بودجه خود را فارغ از بحث و صحبت درباره جزئیات آن میدانم مضافاً اینکه دوستان دیگر تا این ساعت مطالب بسیار ارزنده و کافی در این مورد بیان داشته اند. من یقین دارم که اگر بودجه پیشنهادی دولت بطور صحیح بمصرف برسد در پایان سال آینده تحول چشمگیر و قابل محاسبه ای در سطح کشور پدید خواهد آمد و مطمئنم که مسئولین امر آنچنان در مصرف این بودجه دقت و نظارت خواهند نمود که دیناری از این بیت المال بهدر نخواهد رفت.

عدم کوچکترین تغییر در بودجه پیشنهادی دولت نشانه بارز و تحقق یافته این اصل است که طراحان آن از اطلاعات و بصیرت و پشتکار کافی و قابل تحسین برخوردار بوده اند و بطور قطع از جناب آقای هویدا که دوازده سال سابقه خدمتگزاری موجه و تأیید شده دارند جز این انتظار نمیرفت.

با ذکر این مقدمه - منظور حسن مصرف بودجه سال ۱۳۰۵ پیشنهاداتی را باستحضار میرسانم که توجه به آن مورد تقاضاست:

پیشنهاد ۱- بادر نظر گرفتن این اصل که هر قدر اختیارات و امتیازات مقامات زیادتر باشد قطعاً مسئولیت غیر قابل ابتکار آنان نیز بیشتر میشود و با توجه باینکه افتخار هر موفقیت و مسئولیت هر عدم موفقیت و بطور کلی خوب و بد هر سازمان متوجه گرداننده آن سازمان میباشد بایستی مقامات مملکتی را باین امر متوجه نمود که بهمان نحویکه در پیشبرد و تکمیل یک تشکیلات فقط مسئول اول آن سازمان شریک و سهمی بوده و از مزایای حاصله بهره مند میشود اگر خدای نا کرده سوء جریانی هم بوجود آید باید جوابگو بوده و در انتظار بازخواست و تنبیه و خیم آن باشند.

پیشنهاد ۲- کسانی که بمقامی میرسند که در آن مقام مسئول مصرف مبالغ قابل توجهی از بودجه مملکت میشوند بمحض اشتغال بدان شغل صورت دارائی خود و خانواده درجه یک خود را بدولت تقدیم و موظف باشند که هرگونه تغییرات دارائی خود را اعم از منقول، غیر منقول و حیابهای بانکی داخلی و خارجی با ذکر علت و موجبات تغییر بدولت گزارش نمایند.

پیشنهاد ۳- در این موقع که با توجه دولت قسمتی از اعتبارات استانی شده و در استان بمصرف خواهد رسید پیشنهاد میشود که در انتخاب اعضای انجمنهای محلی بنحوی اقدام شود که منتخبین برگزیدگان واقعی مردم باشند و کلیه اعتبارات استانی با اطلاع و نظرات آنان بمصرف برسد (صحیح است).

حال فارغ از کنترل بودجه، توصیه میشود که وزارتخانه ها و سازمانهای تابعه دولت ساختمان مورد نیاز خود را سریعاً در مرکز و استانها با استفاده از اعتبارات مربوطه ایجاد نمایند تا هم از پرداخت اجاره بیهای گزاف رهایی یابند و هم اماکن استیجاری کنونی سازمانها جهت سکونت مورد استفاده مردم قرار گیرد.

اکنون قسمت کوتاهی از فرمایشات شاهنشاه را باستحضار میرسانم و سپس مختصراً درباره طلاب علوم دینی صحبت میکنم. شاهنشاه فرموده اند: من شخصاً یقین دارم که اگر هرفردی بتکالیف اسلامی عمل نماید و قواعد و احکام آنرا محترم شمارد هم خود از فوائد آن بهره مند میگردد و هم دیگران را متمتع میسازد.

مطلبی که درباره آن کمتر صحبت میشود وضع زندگی طلاب علوم دینی است. چنانچه توجهی بوضع آشنایان و طلاب علوم دینی در سایر ممالک آزاد بشود ملاحظه خواهید فرمود که پیشرفته ترین ممالک آزاد جهان خود را

از توسل بمذهب و دین بی نیاز نمیدانند حتی در آنجا که کمیت تمام علوم برای اصلاح افراد خطرناک لنگ میماند دست بدامن دین میزنند و از وجود راهنمایان دین و اخلاق استفاده میکنند (صحیح است) رفاه زندگی قاطبه این رهروان دین مانند سایر مأمورین وسیله دولتها تأمین میشود. و در اکثر کشورهای متمدن تبلیغ کنندگان امور دینی و این مربیان اخلاق و ایمان از موقعیتی والا و از زندگی نسبتاً سرفهی برخوردار میباشند.

در حال حاضر در کلیه شهرهای بزرگ و کوچک کشور بسیاری از اشخاص مسلمان و علاقمند، نزد روحانیون جلیل القدر ساکن همان شهرها بتحصیل علوم دینی میپردازند متأسفانه اکثر آرزوی زندگی بسیار نامرغبی داشته و حتی از حداقل رفاه زندگی بهره مند نمی باشند، این پیروان راه حقیقت علاوه بر تحصیلات دینی در زبان فارسی و عربی نیز تبحر پیدا میکنند ولی هیچگونه مدرک تحصیلی در دست ندارند که بتوانند برای امرار معاش از مزایای آن بهره مند شوند. من توجه دولت جناب آقای هویدا را بوضع نامناسب زندگی این مربیان اجتماع و اخلاق جلب کرده پیشنهاد میکنم ترتیبی اتخاذ شود که چه هنگام تحصیل و چه پس از پایان تحصیل در مورد رفاه و تأمین زندگی این پیشروان دینی راهحلی پیدا کرده و برای آنان آسایش خاطر بیشتری فراهم سازند تا بتوانند از راه صوابی که انتخاب کرده اند خدمتگزاران واقعی جامعه مسلمان ایران باشند (صحیح است).

تصور میکنم چنانچه بنحو مقتضی این امکان به آنان داده شود که در امتحانات متوسطه علوم دینی و امتحان دوره لیسانس دانشکده الهیات شرکت کنند، در صورت قبول شدن حتی با مزایای کمتری از سایر آموزگاران و دبیران میتوانند در روستاها و شهرها علاوه بر ارشاد آموز دینی بتعلیم جوانان به پردازند، بنظر من از وجود طلاب حتی بدون طی دوره دبیرستانی و یا دانشکده الهیات، میتوان در تدریس فارسی و عربی دانش آموزان استفاده نمود و از این راه تا حدودی کمبود معلم را جبران کرد (صحیح است).

دربایان بادر نظر گرفتن گرفتاری گسترده و مشکل مردم از لحاظ اماکن مسکونی در سراسر کشور عرض میکنم که من نمیدانم در تمام دنیا مشکل مسکن باین صورت که در ایران دیده میشود وجود دارد؟ آیا در زرف آیین مشکل تمام حکومتها اینقدر غیر موفق و ناکامیاب بوده اند؟

خوشبختانه کشور ما از آرامش و نظم کم نظیری برخوردار است و هرگونه اقدام برای بائین آوردن بهای زمین امکان پذیر میباشد.

آیا بهتر نیست که حداقل با دادن اجازه ساختمان در خارج از محدوده مردم را از این معضل خانه رهایی بخشید. مگر میشود بیش از نصف درآمد ماهیانه را صرف اجاره منزل کرد. کدام مستخدم دولت و کسانی که از بیمه خدا داد ندارند میتوانند با زمین متری هزار تا هفت هزار تومان در داخل محدوده صاحب خانه شوند؟ میگویند مشکل آب موجب میشود که اجازه ساختمان در خارج از محدوده داده نشود. سؤال میکنم مگر سائین داخل محدوده آب مصرف نمیکند؟ چه فرقی میکند که همان مصرف کننده در داخل و یا خارج از محدوده زندگی کند (صحیح است).

اگر من متوجه نیستم و مسئله آب موجب این درد می درمان شده است حداقل اجازه داده شود در زمینهایی که به آب شهر نیازی ندارد مردم برای خود آبنماهای بنا کنند. مصراً تقاضا دارم پس از بررسی های لازم و سریع اجازه معمولی جهت ایجاد ساختمان درازانی خارج از محدوده صادر و ترتیبی داده شود که بانکها با فرع ۳ تا ۵ درصد تا هشتاد درصد بهای خانه را وام بدهند در اینصورت بطور قطع ارزش سرسام آور زمین های داخل محدوده که موجب افزایش قیمت منازل مسکونی و همچنین بالا رفتن اجاره های خانه های استیجاری شده است کاهش پیدا خواهد کرد و مردم تا حدی از مشکل مسکن رهایی خواهند یافت.

ضمن تشکر بمطلب خود پایان بخشیده و فرصت را در اختیار دیگر همکاران عزیز فرار میدهم. جاوید شاه پاینده ایران (احسن است).

رئیس - آقای دکتر ستاری بفرمائید.

**دکتر ستاری** - بنام پروردگار، سپاس بر شاهنشاه و اندیشه هایش جناب آقای رئیس، نمایندگان محترم مجلس شورای ملی، دوستان مطبوعاتی.

قبل از آغاز سخن توجه همکاران عزیز را بیک بررسی که بونسکو بعمل آورده در زمینه تأیید بررسی مطالب سخنران در شنونده باستحضار می رسانم. طی بررسیهایی که انجام شده معلوم گردیده است اگر مدت سخنرانی یک ربع بطول انجامد جلاد ۹۰ درصد حواس شنونده کاملاً در اختیار سخنران است اگر یک ربع نیم ساعت بیاچیز این مقدار ۷۰ درصد تقلیل پیدا می کند و اگر

به سه ربع برسد ۵۰ درصد و اگر از یک ساعت بالا برود بیشتر از ۳۰ درصد شنوندگان به آنچه که سخنران می گوید توجه ندارند بنابراین من سعی می کنم از زمره کسانی باشم که توجه ۹۰ درصد را جلب کنم. (احسن است)

به یمن و برکت رهبریهای خردمندان و حیات بخش رهبر کبیر و خلاق انقلاب شاه و ملت، شاهنشاه آریامهرم ایران که اینک از نظر قدرت اقتصادی - سیاسی و نظامی می رود تائیدی از اهل حق کشور نیرومند جهان گردد، دیگر نمیتواند و نباید دنباله رو حوادث و رویدادها باشد. بارها عنوان شده و شاهنشاه دوران پیش نیز هشدار داده اند ماباید همیشه چند قدم جلوتر از حوادث باشیم و ضمن پیش بینی های منطقی و اصولی سعی نمائیم که افق دید خود را تا آنجا که میسر است گسترش و توسعه بخشیم.

باین ترتیب و در مقیاسی وسیعتر در حال حاضر هر اندازه بحث های بنیادی و اساسی درباره ارقام بودجه و خواستگاههای آن که برنامه پیشرفت های سال آینده و همچنین بر مبنای آن ترقیات سالهای بعد بنیاد خواهد گرفت، از سوی نمایندگان و همه گروه های مردم و صاحب نظران دیگر بیشتر بعمل آید و نکته سنجی در کار و بررسی های پی گیر و ارشادی انجام برسد، راه برای نوآوری و اندیشه و بینشی امید آفرین هموارتر می گردد و حرکت و جنبش افزونی بسوی پیشرفت حاصل می آید. بهمان نحو که حزب سرفراز و یگانه رستاخیز ملت ایران به مشارکت می اندیشد و ما هم به همین ترتیب می اندیشیم دیگر نمیتوان مشارکت مردم را در اندیشیدن، بحث و گفتگو، ارائه طریق و شرکت در بهبودی و بهزیستی جامعه تنها یک آرمان بشمار آورد بلکه اجرای این فرایض در شرایط استثنائی و طلافی موجود بعنوان ضرورتی تاریخی و حیاتی واجب بحساب می آید و شرط اساسی و لازم برای پیشرفت های مادی و معنوی کشور خواهد بود و مسلماً دقت عمل بیشتر در این تلاشها از جمله رسیدگی بارقام و بیستهای بودجه امبری است ملی و مملکتی که کوششهای مستمر در این زمینه موجب هموار شدن راههای توسعه و سازندگی کشور را فراهم میسازد.

منتها آنچه که در این تجزیه و تحلیل باید اساس کار بشمار رود ضرورت توجه کامل به هدفها با برداشتی علمی تجربی و عملی و ارشادی توأم با بی نظری و واقع بینی است زیرا گفته اند: بهتر از خوش بینی، نیکوتر از بدبینی واقع بینی است (احسن است) که من سعی می کنم نظریاتم با واقع بینی همراه باشد باز دیگر سپاس می گویم قادرستعال را که مملکت

ما را از وجود رهبری اندیشمند برخوردار ساخت که به یمن وجود و تدبیر و اندیشه اش امنیت و آرامشی چشمگیر و اطمینان بخش بکشور ما ارزانی شده است تا حدی که در این دنیای پراشتوب و جنگ زده و تحطبی دیده آن چنان از نعمت ثبات، صلح و پیشرفت و رفاه برخورداریم که اینک در کمال آمایش خیال شاهد آن هستیم که دولت بودجه ای کلان به مجلس تقدیم نماید و خواستار بررسی و ارزیابی آن گردد و این همه نعمات از برکت و سعادت خاندان شکوه مند پهلوی است که ملت ایران افتخار دارد پنجاعین سال سلطنت غرور آفرین پهلوی را با جان و دل و همه وجودش جشن بگیرد و سپاس خود را تقدیم نماید (صحیح است) وجود امنیت و آسایشی که بدست توانای برجمدار کبیر و موفق انقلاب شاه و ملت در کشورمان امکان پذیر گردیده است از والاترین نعمتهایست که همه ما بآن شکر گزاریم و سپاسگزاریم، زیرا در غیر اینصورت نه موفقتی برای کسی امکان پذیر بود و نه شرایط نشر افکار خلاق و سازنده حاصل می آمد.

تخصیص ۲۷ درصد از بودجه سال ۵۰ به امور دفاعی از روشن ترین و مثبت ترین نکاتی است که میتوان بدان انگاء کرد. زیرا این بدان معنات که دولت به احساس ترین امور مملکتی که خواستگاه آن حفظ و اقتدار، شوکت و عظمت ایران در پناه نظام شاهنشاهی و تقویت آرمانهای ملی و میهنی کشور ما است درجهتی کامل مدبول داشته است.

ما به ارتش پیروز و موفق و دلیر ایران که تحت فرماندهی رهبر تاجدار و ژانف تاریخی، دفاع از نیاکان، انسان سازی حفظ حیثیت و شرافت ایران و ایرانی کوشا هست با تمام قلب و وجود اعلام میداریم که اگر برادران سرباز و شجاع ما در صفا اول قرا گرفته اند این اطمینان را داشته باشند که همه ملت ایران دوشادوش و هم پای آنان و گوش بفرمان شاهنشاه پشتیبان و حافظ پشت جبهه و بارویاوار سربازان فدای کار و ارجان گذشته خواهند بود. (صحیح است)

پس بینی رشد ۱۷ درصد اقتصادی در سال جاری و هم چنین در سال آینده و رسیدن شریعت آن بحدود متعارف نکتہ است که اصول آن از هر جهت قابل پذیرش و اعتقاد است زیرا بالاخره می بایستی روزی شب تند توسعه به حرارت مطبوع پیشرفت های معقول بدل می گردید و سرعت رشد با تلاش و کوششهایمان هم آهنگ میشد. اما قبل از اینکه درباره باره ای از سیاستهای کلی

بودجه سال ۵۰ یعنی بمیان آورم ذکر این نکته ضروری است که تنها تخصیص اعتبار و نمایش افزایش رشد بودجه نسبت به سالهای گذشته کافی نیست زیرا اگر این موضوع امری لازم بشمار می آید، کفایت آن هنگامی به ثبوت خواهد رسید که در هزینه ها و صرف اعتبارات، ضمن رعایت صرفه جوئی، نظارتی دقیق و بی گیر معمول گردد و هر دیناری از ارقام بودجه در جای خود و بجزیر و صلاح مملکت بمصرف برسد و این حقیقتی است که در پرتاب پیچ شدیداً بان تکیه شده و می باید نه در سال جاری و آینده بلکه حتی در سالهای قبل نیز بمرحله اجرا درمی آمد.

دقت در مصرف و حساسی دقیق در خرج اعتبارات و بدور از هرگونه خاصه خرجی و تجمل گرانی و ایجاد روحیه انقلابی، اسساکت و صرفه جوئی بعنوان یک رفتار ملی حاکم بر نحوه جوده دولتی و شیوه مصرف و زندگی مردم امری حیاتی است علاوه در نظر داشتن انگیزه صداقت، امانت و جدان کار و دوری از سهل انگاری و فساد و برخورداری از همت و تلاش و کوششی افزونتر از جمله مواردی است که هم بایه تخصیص بودجه ارج دارد و هرگونه پیشرفت اجرایی نیز در گرو کار برد حساب شده و عریک از این مسائل و بویژه سخت گیری در امر ارزش یابی و سیستمی گیری می باشد.

اینکه روی نحوه خرج و کزینش اولویتها و هم چنین وجود ارقام مصرف بودجه در راهی کار ساز همراه با ارزیابی تکیه میشود بیشتر بخاطر آنستکه در سالهای قبل هم که بودجه های عمرانی و جاری تنظیم می گردید و مبالغی برای انجام هر کاری تخصیص داده میشد، تمام اعتبارات بخاطر کمبود نیروی انسانی و تنگناهای دیگر که از سوی مجریان امور عنوان میشد مصرف نشده و قسمت مهمی از آن برگشت داده میشد و باینکه باعث حجم فوق العاده کار و هم چنین وجود بول و برمایه در انجام فعالیتها آن دقت و مرغوبیت و کیفیت کار نادیده گرفته میشد و آنچه که ساخته و پایداری داشته می گردید فاقد صلاحیت و ارزش مورد نظر بوده است.

چنانچه در هفته های استانی که سالهای قبل در تهران برگزار می گردید، از جمله در هفته استان گیلان اولیاء امورا کثراً بر این اعتقاد بودند که زمانی حتی متجاوز از ۸۰ درصد اعتبارات، مصوبه هم همچنان بلا استفاده ماند و بعلت کمبود نیروی انسانی و امکانات دیگر مجدداً برگز برگشت داده میشود.

خوشبختانه با استانی شدن بودجه میتوان امیدوار بود که قسمت نهمی از مشکلات مرتفع خواهد شد و اگر این تخصص اعتبارات نیز همراه با اختیارات کافی برای مسئولین امور استان و همچنین انجمن های دموکراتیک باشد میتوان باینده این نوآوری بسیار خوش بین و امیدوار بود و این از نکات برجسته بودجه و اجرای فعالیتها در سال جاری است که می باید از هیأت دولت سیاستگرازی و قدردانی کرد (احسبت)

مضافاً اینکه این امکان نیز وجود دارد که در اثر توافق و رعایت جوانب مبالغی که برای انجام کارهای عمرانی و هزینه های دیگر در استان تخصیص داده شده است چنانچه در آن سال بمصرف نرسیده باشد همچنان در اختیار استان باقی بماند تا از فرصتهای مناسب تر و با ارائه کاری موجه و با کیفیت عالی بمصرف خدمات مربوط برسد در باره بودجه سال ۵۰ تا کنون آنچه عنوان شده و حقیقت دارد عظمت ارقام جدی است که میتوان آنرا همانطوریکه اعلام نیز گردیده است با بودجه بسیاری از ممالک پیشرفته دیگر مورد مقایسه قرارداد. ولی از نظر روشن شدن موضوع ذکر این نکته نیز ضروری است که در این مقایسه چنانچه نسبت بودجه به تولید ناخالص ملی و یا درآمد ملی مورد توجه قرار می گرفت دید تازه ای نمایان میشد و ویژگیهای بودجه کل کشور مسؤلیتها و مراقبتهائی بیشتری را بر ابراه قرار میداد.

در این باره ضمن بررسیهای انجام شده و مطالعاتی که شخصاً انجام داده ام از نظر اینکه مقایسه انجام شده بودجه مملکت ما با کشورهای دیگر جهان بطور تکمیل تر و در نظر گرفتن همجوانی با بر صورت گرفته باشد جدولی تهیه کرده ام که موقعیت بودجه تقدیمی دولت را به مجلس نسبت به تولید ناخالص ملی نشان میدهد و جایگاه آنرا نسبت بکشورهای مورد بحث نشان میدهد باید باستحضار برسانم که ارقام با تقریب لازم همراه است:

نام کشور	جمعیت میلیون نفر	بودجه سالانه میلیارد دلار	تولید ناخالص ملی میلیارد دلار	نسبت بودجه به تولید ناخالص
انگلیس	۵۶/۰۸	۶۸/۹۹	۱۹۰/۴۳۳	۳۶/۲
ژاپن	۱۰۹/۶۷	۴۶/۱۹	۴۵۱/۴۱۴	۱۱
آلمان غربی	۶۲/۰۴	۵۷/۳۵	۳۸۵/۵۲۵	۱۴/۹
فرانسه	۵۲/۵۶	۶۲/۰۵	۲۸۲/۹۹۰	۲۲
ایران	۳۴	۴۴/۴	۵۳/۵	۸۳

مملکت ما نسبت به تولید ناخالص ملی متجاوز از ۸۰ درصد می باشد و حال آنکه این نسبت دو کشورهای مورد بحث بین ۱۱ الی ۳۶ درصد است. باین ترتیب ضمن اینکه بودجه مملکتی خود دارای عظمت و نمودار پیشرفت و توسعه و رفاه عمومی است و بطور کلی بودجه های رفاهی بشمار می آید تا حدیکه ویژگیهای ملی خود را حفظ کرده است ولی با مقایسه با بودجه های دیگر این حقیقت را نشان میدهد که میزان بالای بودجه به تولید ناخالص ملی معرف سهم عظیم سرمایه گذاری دولتی نسبت به سرمایه گذاریهای خصوصی در سال جاری و آینده است که هم چنان روز بروز نظیر سالهای گذشته آهنگ خود را حفظ کرده است.

باین ترتیب باید توجه داشت در این سالها که بابتکار شاهنشاه آریا مهر در اثر گشایشهای مادی که در اثر استیفای حقوق حقه ایران از درآمدهای نفت حاصل آمده است این امکان برای دولت وجود داشت که با توجه باسایش مردم و بمنظور تنظیم بودجه رفاهی با سرمایه گذاریهای دولتی مبادرت ورزیده و موفق شود بودجه ۳۱۰۰۰ میلیارد ریالی را تنظیم کند و با علم باینکه میزان سرمایه گذاریهای بخش خصوصی در مقابل این بودجه و اعتبارات رسمی محدود است لذا سرمایه های بخشهای خصوصی همیشه و در هر زمان تحت الشعاع این چنین سرمایه گذاریهای دولتی خواهد بود بطوریکه مسئله اقماری بودن سرمایه های خصوصی نسبت به بخش دولتی پیش خواهد آمد.

با چنین ترتیبی واضح است که کوچکترین لغزش و یا ایجاد اشتباه و شبهه در نحوه سرمایه گذاری دولتی اعم از صنعتی و کشاورزی و نحوه خرج آن بر روی بخش خصوصی اثر گذاشته و موجب بروز اشتباهات فاحشی نزد آنها می گردد که زمانی ممکنست خسارات غیر قابل جبران بشود و یا مشکلات تورمی را سبب گردد.

بدیهی است این چنین مشکلات و نکته های حساس و حیاتی در ممالک دیگر که اختلاف بین سرمایه گذاریهای بخش خصوصی و دولتی تا این اندازه فاحش نیست کمتر

وجود دارد تا حدیکه مسئله اقماری بودن بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی قابل طرح نمی باشد.

باتوجه باین نکات قابل تذکر و مطالعه است که یکبار دیگر توجه دولت را در اجرای صحیح و حساب شده طرحها و مسائل دیگر اقتصادی که در بودجه کل کشور مطرح گردیده است جلب کنیم و مسلماً یکبار وجهاد ملی علیه فساد و تجمل پرستی، اسراف و تبذیر که فرمان شاهنشاه عظیم الشان همیشه و همه وقت اعلام و دنبال گردیده است یکی از مسائلی است که ما را برسیوند به مقصود یاری میدهد (صحیح است).

در سخنرانی یکی از همکاران عزیز اشاره شده بود که بودجه ما بودجه کشور ایالات متحده امریکا است حالا اگر واقعاً ضرورتی دارد از نظر مقایسه بودجه و ارتباط این بودجه با ممالک دیگر تا اینجا که من اطلاع دارم بودجه ایالات متحده آمریکا باین ترتیب است که یک بودجه فدرال دارد و یک بودجه برای استیت ها بودجه فدرال شامل بودجه دفاعی و سیاست خارجی و فقط بست است نه تلفن و چیزهای دیگر و همین بودجه ای که ما خیال می کنیم بودجه ما آن است فقط همین است ولی هر استیتی برای بسیاری از ادارات و وزارتخانه ها یک بودجه خاص ایالتی دارد که اگر همه آنها را بخواهیم جمع کنیم و با بودجه فدرال جمع کنیم رقم بسیار بزرگی میشود که تصور می کنیم بودجه ما یک نهم آن نباشد.

رئیس - در اینجا درآمد سرانه ۴ هزار دلار است و جمعیتش ۸ برابر آنجا است.

دکتر ستاری - در هر صورت من میدانم این مقایسه ناقص بود.

دادفر - آن مبلغ که در این مورد گفته شده اشتباه بود. دکتر ستاری - این توضیحات را اگر چه صحیح بود خواستم عرض کنم تا قدری روشن شود. توجه بامر صادرات و تشویق سرمایه گذاریهای بخش خصوصی در زمینه بالا بردن میزان تولید همراه با کیفیت لازم و صدور فرآورده های تهیه شده نیز از مسائلی که باید در سیاست اجرائی و مالی دولت در سال آینده بیش از پیش مورد توجه و عنایت قرار گیرد.

واردات در سال جاری نسبت به صادرات کالای غیر نفتی ۲۵ برابر بوده است و این اشتیاق هم چنان روبه زونی است و اینبوی دیگر جمع صادرات از ایران نیز شامل محصولات نظیر پنبه - قوین - دستپاق - کلبوخه های فلزی - انواع پوست و رویده و وسایط نقلیه - کشمش و سبزه بوده است بطوریکه هنوز هم تبمت مهمی از صادرات ما را کالاهای سنتی دژ زمینه کالاهای کشاورزی و دامپروری تشکیل میدهد که اصول سرمایه گذاری و فعالیت در این بخشها هم

خالی از خطره و مشکلات فراوان نیست و هم اکنون نیز مشکلاتی در این زمینه وجود دارد این منطق صحیح است کشوری که شتابان بسوی صنعتی شدن گام بر میدارد برای ساختن زیربنای این فعالیت احتیاج بواردات فراوانی دارد ولی باید توجه داشت که بتدریج ضرورت دارد اشتیاق و شتاب در توسعه خواهی وضعیت گرانی به آهنگ ملایم و متن پیشرفتهای پیش بینی شده مبدل گردد و در پناه این دوراندیشی و چاره سازی بامر صادرات نیز که موجب تقویت و اصلاح نظام اقتصادی هر جامعه ای می گردد توجهی لازم و در خور معمول گردد.

شاید در شرایط فعلی با توجه بصدور مواد نفتی و تحصیل ارز یکی از راههای انتخابی بمنظور حفظ توازن اقتصادی همین توجه بامر واردات ماشین آلات و مواد می باشد که وجود آنها در ساختمان وزیر سازی صنعت و پیشرفتهای دیگر مملکت ضرورت دارد و با وارد ساختن انواع و اقسام مواد غذایی که خرید آنها برای تأمین رفاه جامعه مؤثر است ولی در هر حال چون تکیه باین درآمدها ابدی نیست و عادت کردن بامر صادرات در هر زمان و مرحله ای شایسته و امری موجه می باشد باید بدان نیز اندیشیده شود و گامی اساسی در آن باره برداشته شود بویژه که اصولاً میزان صادرات هر مملکتی معرف تلاش، کوشش و خدمات آن جامعه می باشد بعلاوه باید توجه داشت که چه بسا اصولاً امروادات اعم از مواد صنعتی و یا غذایی و مصرفی و تکیه فراوان بر این مسئله با سهولتی که امروزه برای همه است امکان پذیر نباشد زیرا با کوچکترین اختلال در امر ارتباطات و حمل و نقل و یا استفاده از راههای ترانزیتی و یا نامتعادل شدن اوضاع کشورهای دور و یا همسایه و بالاخره باین رفتن منابع درآمد و موارد دیگر که امکان بروز هر یک از آنها بنحوی از انحاء وجود دارد امر واردات مختل و بهر تقدیر حسابها بر و ال دلخواه پیش نخواهد رفت باین ترتیب بیشتر از هر چیز باید بامر تولید داخلی نظر داشت و با بالا بردن میزان تولید در واحد سطح و سیاستهای دیگر و تهیه کلیه وسایل صنعتی، قطعات یدکی و ابزار در داخل کشور نیاز بواردات را تا حد امکان بر طرف ساخت و یا امر واردات را نیز در هر زمینه ای تحت کنترل در آورد و کشور را از حالت جایگاهی بعنوان کلسیون انواع ماشین آلات مواد غذایی، اجناس لوکس و مصرفی دیگر خارج ساخت مسلماً اگر چنین رویه ای بدقت مطالعه و پیاده گردد روزی فرا خواهد رسید که بین تولید و مصرف توازن حاصل خواهد آمد و در سایه چنین تلاشی که می باید تا حدی با خود گذشتگی و صرفه جوئی همراه باشد بار گرانی



که دولت هم اکنون بعنوان باز پرداخت تفاوت قیمت‌های مواد خوراکی و توازن قیمت در بازار داخلی بعنوان سوبسید میپردازد بتدریج کاسته شود و مسائل مربوط بحال عادی خود بازگردد. زیرا پرداخت میلیاردهای برای این منظور برای همیشه ناممکن است و نه امکان پذیر وجهی است که بعدها میتوان مبلغ مذکور را در راههای اساسی تری خرج کرد و اصولاً چه بسا که زمانی ضرورتی هم نداشته باشند. در حال مسئله مزبور و روند صعودی آن و مسئولیتها که دولت بتدریج در قبال آن پذیرفته است و تنها جهت تأمین رفاه و آسایش مردم صورت می‌گیرد باید از جهات مختلف مورد توجه دولت و برنامه ریزان مملکتی قرار گیرد و اگر شود قسمتی از آن نه در حدی که مشکلی در امر اقتصاد مملکت پیش بیاورد بعنوان سوبسید به تولید کننده داخلی پرداخت شود.

درباره کشاورزی و تولیدات مواد غذایی اتم از نباتی و حیوانی در داخل مملکت با الهام از نبات و زرع و کودهای شاهنشاه آریامهر سالهاست که درجه کفرا نسهای داخلی و یا خارجی و یا در مطبوعات بویژه روزنامه رستاخیز و اطلاعات و سایر رسانه‌های همگانی مطالبی عنوان داشته‌ام. شاهنشاه رهبر استین «ایران زمین هر وقت در تسمیم خطبشی نهائی سیاست ملی کشاورزی ارشادهای بنیادی و حیات بخش را فرموده و میفرماید و از جمله در سال ۱۳۴۹ خطوط اصلی برنامه‌های توسعه کشاورزی را در برنامه پنجم ترمیم فرمودند باین ترتیب میتوان و باید باینده کشاورزی که در سالهای آینده خواهی نخواهی بصورت اسلحه سیاسی و برنده جهانی در خواست آمد و چه بسا که از همین طریق سماکت تولید کننده زراعتی استعمار ممالک نیازمند را جستجو کنند اطمینان کامل داشت و پیشرفتهای این بخش اقتصادی را همپایه صنایع مملکت که از رشدی بیسابقه برخوردار است دانست. با اینکه در این اواخر برای احیای کشاورزی قوانینی کار ساز از سوی دولت عنوان شده است ولی باز بنا به سخنی که گفته‌ام تنهائیت و تعدیل اعتبار و بودجه کافی نیست و باید در اجرای قوانین و یا اصلاح و ادغام آنها در کمال بی نظری دقت و موشکافی بعمل آید و بویژه سعی گردد اجرای چنین قوانینی موجبات چند باره کاری را از بین برده و مثلاً برای یک نوع فعالیت کشاورزی چندین پرونده و بانگانی و یا تصمیم گیری در وزارتخانه‌های مختلف و ادارات متعدد ایجاد نشود و از همه مهمتر با اعلام قاطع و صریح برنامه کشاورزی و اطلاع مردم از کم و کیف قضایا بآنچه که قول و وعده داده شده است عمل گردد و بدو روز اتخاذ روشهای تسکین و موقت

و بیوستن که منطبق از این در بره آن در فرج است برنامه‌ها دنبال گردد. زیرا اگر بدقت ملاحظه شود هنوز سیاستهای اجرائی کشاورزی در مملکت چندان روشن نیست در حدی که تصمیم گرفته شده است جلساتی از صاحب نظران تشکیل شود و پس از تبادل نظر بر آن مبنای سیاستهای مربوط تعیین و اعلام گردد. اولین گام در مورد اجرای اصلاحات ارضی بموجب فرمان همایونی که شاهنشاه در سال ۱۳۳۹ در مورد تقسیم املاک سلطنتی بین زارعینی که روی این املاک کار می‌کردند صادر شد و بعداً این انقلاب در زمینه اجرائی اصلاحات ارضی در سرتاسر مملکت با وج خود رسید و به درستی آن چهره اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور ما دگرگون شد و زمینه برای بسط عدالت اجتماعی و اجرای اصول ۱۷ گانه انقلاب پیروزمند شاه و مردم فراهم گردید.

طبق آمار کشور که جدیداً منتشر شده در حال حاضر ۶۵ هزار و ۱۸۰ روستا در کشور وجود دارد که بطور کلی ۵۲ درصد جمعیت در ۸ هزار و ۱۱۷ روستا و ۴۸ درصد در بقیه نقاط روستاها اقامت دارند با این محاسبات نتیجه گرفته شد که میتوان ۲۰ هزار از روستاهائی را که جمعیت آنها حدود ۵۰ نفر است در روستاهای دیگر اسکان دارد و با این حساب جمع روستاهای کشور را از نصف هم کمتر ساخت بطوریکه جمعیت هر یک از آنها بین ۳۰ تا ۵۰ نفر باشد. با این مطالعات پیش بینی شده است که طی سالهای آینده میتوان ۲۰ میلیون روستائی را در این ۳۰ هزار روستا و ۳۲ میلیون نفر بقیه را در ۱۰۵۰ شهر و ۳۰ هزار شهرک متمرکز نمود. این اقدامات بیشتر در جهت دادن خدمات کافی به صنایع غذایی و بالا بردن سطح درآمد روستائیان که در حال حاضر متأسفانه یک پنجم درآمد شهر نشینان است و مبارزه با بیکاری پنهانی، ضمن تشکیل شرکتهای سهامی زراعی شرکتهای تعاونی روستائی و نظایر دیگر بر روستائیان کوشنده کشور صورت می‌گیرد. در دنباله این نظارت و اقدامات هم چنین تصمیم گرفته شد در دوران برنامه پنجم ۱۴ هزار دهه پراکنده در ۱۲۰ حوزه عمرانی روستائی متمرکز گردند و حتی اعلام گردید که در سال ۱۳۵۳ ۹۰۰ حوزه عمران روستائی که شرکتهای آینده کشور خواهد شد احداث می‌گردد و این امر هم چنان می‌بایستی در سالهای بعد تکرار میشد بطوریکه تا این تاریخ شاید تجاوز از یکصد شهرک در ایران وجود می‌آمد.

اهمیت مسئله تابدان حد بود که برنامه ریزان اعلام داشتند طبق پیش بینی انجام شده در پایان برنامه ششم توجه بفرماید یعنی تقریباً ۸ سال دیگر بجای ۶۶ هزار واحد مسکونی روستائی پراکنده حدود ۴ تا ۵ هزار شهرک خواهیم داشت.

من وارد این موضوع نمیشم که اصولاً ایجاد شهرک که اینک گویا اسم خود را مجمع‌های روستائی تغییر داده و معلوم نیست این تغییر اسامی که اصولاً ماهیت مسئله را عوض نمی‌کند تا کی ادامه خواهد داشت و ادغام روستاها در یکدیگر چه کیفیتی را در بر میگیرد؟ (دکتر رئیسی - هیچ نتیجه‌ای نداشته است) ولی از اینکه نزدیک ۳ سال از برنامه پنجم میگذرد این مسئله مطرح است که در این شهرک‌ها و یا این نوع مجمع‌ها چه پیشرفتی حاصل آمده و آیا اصولاً اجرای کار طبق پیش بینی انجام گردیده است و یا اینکه نقصان و نارسائی در این زمینه وجود دارد (دکتر رئیسی - آنچه تاکنون ساخته شده مردم استقبال نکرده‌اند) زیرا اخیراً در مصاحبه جناب آقای وزیر تعاون آمده است که در پایان برنامه هفتم توجه بفرماید «برنامه هفتم» تنها ۳ هزار مجمع روستائی بوجود خواهد آمد و حال آنکه وعده ۴ تا ۵ هزار شهرک بجای ۶۶ هزار واحد مسکونی پراکنده روستائی در برنامه ششم داده شده بود. یعنی باینکه اجرای کار ۵ سال به تأخیر افتاده ولی تعداد شهرک‌ها نه به همان میزان قبلی بلکه به نصف نیز تقلیل یافته است.

از سوی دیگر این حقیقت را باید درم نظر داشت که آیا در نقاطی هم که اکنون شهرک‌هایی بوجود آمده محل، موقعیت و شرایط کار آنها متناسب انتخاب شده و یا بطوریکه در مواردی شاهد هستیم با اینکه در نقاطی میلیونها تومان خرج احداث این گونه شهرک‌ها شده ولی بعلت دقت نشدن در شرایط ایجاد آنها عمچنان بلا استفاده و متروک باقی مانده است.

طبق اوامر مؤکد شاهنشاه آریامهر قرار بود که دولت ظرف ده سال آینده که حدود ۳ سال آنهم گذشته است موجباتی فراهم آید تا درآمد متوسط یک روستائی با درآمد متوسط یک شهر نشین مساوی و یا لاقط متناسب گردد. رسیدن باین مرحله درجه وضعی قرار دارد و آیا بهره‌وری در فعالیتهای کشاورزی بویژه در سطح استانها بدانجا رسیده یا خواهد رسید که امکان نزدیک شدن با چنین هدفی را نوید دهد. همین چندی قبل در ملاقاتی بایکی از

آقایان وزرا و ایشان حقیقتی را عنوان کردند که برای من غیر قابل تصور بود ولی در حال باید بپذیرای آن شد و در رفع آن مجدداً کوشید. ایشان عقیده داشتند که از ۱۲ سال پیش باین طرف فاصله درآمد شهری با روستائی ژرفای بیشتری پیدا کرده و اختلاف درآمدها افزونتر گردیده است که مسلماً اگر فکر عاجلی برای این منظور نشود نه تنها به هدفهای برنامه پنجم و ششم نخواهیم رسید بلکه اختلاف درآمدها هم چنان افزایش خواهد یافت و اصولاً در تقسیم عادلانه درآمدها مشکلاتی بوجود خواهد آمد البته این مسئله را باید قبول کرد که هنوز بازده کار در سطح روستاها مطلوب نیست و میزان برداشت در واحد سطح بمراتب کمتر از حد پائین استاندارد می‌باشد و برای رسیدن به مقصود تلاش و کوشش فراوان باید از سوی تولید کنندگان و کشاورزان اعمال گردد ولی باید توجه داشت که کشاورزی سود ده روستائی هم احتیاج به تسویت و حمایت فراوان دارد و نباید تنها بسواحه‌های کشاورزی صنعتی تکیه شود. باید باتمام قوا سعی گردد در بهبودی و بهره‌وری این نوع کشاورزی نیز که خیلی سریع نمیتوان آنرا دگرگون کرد، برنامه‌های کار ساز مرحله اجرا درآید. مضافاً باینکه هم اکنون با همه مشکلاتی که روستائی از نظرها، کمبود امکانات، سوددهی در فعالیتهای کشاورزی دارد متجاوز از ۸۰ درصد فرآورده‌های کشاورزی و دامی مملکت از همین طریق تأمین و تقدیم شهر نشینان می‌گردد.

در اجرای این منظور باینکه در بودجه سال ۵۰ از اعتبارات کشاورزی بیزان ۱۳/۹ میلیارد ریال کاسته شده معذالک باید لاجرای سیاست ملی کشاورزی و بهره‌وری مناسب در سرمایه‌گذاریهای مربوط بویژه در امر تولید مواد غذایی که جنبه استراتژیک دارند نهایت کوشش بعمل آید و لاقط درباره سیاستهای دیگر که تقویت کننده کشاورز هستند قدمهای اساسی و جدی برداشت که اگر در این زمینه از همه چیز بگذریم مسئله راههای روستائی مطرح است بطوری که اگر در سال گذشته مثلاً ۱۴ هزار کیلومتر آن ساخته شده باید دید که در حال حاضر چند کیلومتر آن قابل استفاده می‌باشد.

این مسئله روشن و غیر قابل تردید است که کار تولیدی او هم چنین سرمایه‌گذاری در این زمینه باید با بهره‌ای مناسب همراه باشد والا سرمایه و کار از هر

نوع ضرر و زیان گریزان است و بدون مجامله و تعارف هیچ سرمایه گذار و بانکداری که ابولا کار و حرفه اش هم همیشه بارسک و خفرتانی همراه است حاضر نیست زندگانی و حیانتش را به خطر بیاندازد.

توفیق یابی در نفع و گسترش بخشیدن باینگونه فعالیتها و دلگرم ساختن روستائیان بکار و تلاشی افزونتر اطمینان با افزایش تولید فرآورده های دامی و گیاهی تنها هنگامی میسر است که قیمت تمام شده محصول در هر سال و در شرایط مختلف منطقه ای بدقت محاسبه و سودی متعادل که لااقل میزان آن از ۲۰ درصد کمتر نباشد برای آن در نظر گرفته شود زیرا در غیر اینصورت واتیکه بانکها برای سپردن ثابت بدون تحمل هیچگونه زحمت و مشقتی سودی معادل ۱۰ درصد آنهم معاف از مالیات میپردازند و در بازار آزاد نیز بهره بول از ۲۰ درصد هم تجاوز نمی نماید چگونه میتوان سرمایه گذاری و کوششی بیشتر را در فعالیتی که فداکاری و همت فراوان لازم دارد و سرانجام آن چه بسا ناخظرات و آشفتنگی ها می نیز فراهم میشود تشویق نمود و به پیشرفت آن دلخوش داشت.

و اگر هم برای اعتقاد باشیم که سرمایه گذاری بهر کجا که بیزدای بیشتر میدهد خواهد رفت و برنامه ای برای جذب سرمایه گذاری در کشاورزی نداشته باشیم مسلماً کار بیجانی خواهد رسید که نه تنها سبب زیستی و نیاز و کوشش از خارج وارد خواهیم کرد بلکه برای وارد کردن لیب و تریچه و شلغم هم باید دست نیاز بخارجیان داشته باشیم.

طرح جدید دولت بمنظور تهیه و تأمین مواد غذایی در داخل کشور و تشویق سرمایه گذاری در امر کشاورزی شاید بتواند آغازگر تحولی حیات بخش در فعالیتهای مربوط شود. مسائل اساسی که در این طرح مورد توجه قرار گرفته ارزیابی و تعیین دقیق نیاز مواد غذایی و کالاهای مصرفی مناطق مختلف کشور و تأمین این احتیاجات بر تاس نزدیک به منابع تولید، خرید تولیدات، فرآورده های کشاورزی از تولید کنندگان واقعی در سطح روستاها و بدون دخالت واسطه و دلال و سیدان دار و از همه مهمتر تعیین تضمین شده ارزش محصول بر مبنای هزینه عوامل تولید، پرداخت سودی عادلانه در مراکز تولید برای خرید محصولات می باشد که اجرای دقیق و بی نظرنانه این مسائل نظم تازه ای در امر کشاورزی و تولید داخلی بوجود می آورد اما مسئله ای که در ابتدای کار و اجرای این طرح باید در نظر گرفته شود اولاً تعیین دقیق و نه کم

و یا برنجکار و جای کار گیلانی با اعلام مندی به فعالیتهای خلاق و پردازد و تولید مرکبات یا کشت توتون و تولید ایربشم و غیره برای زارع گیلانی صرف نماید و بالاخره تولید کننده جنوبی هم بتواند بموقع فرآورده های نویر خود را بپردازد سودی متعادل بازار عرضه کند. (دکتر کیان - تولید هر منطقه باید در حد خود کفا باشد) منتهم همین را عرض کرده (دکتر دادفر - هر وقت خارجی دخالت در کار ما کرده است کار را خراب کرده است).

و بالاخره مورد سوم چگونه تعیین میزان و پرداخت سود عادلانه است که در قیمت فرآورده منظور میشود. در این زمینه بهترین معیاری که میتواند در دست باشد بهره وری از سرمایه گذارها در فعالیتهای دیگر از جمله صنعت است که درباره ای اوقات حد آن خارج از انتظار و به ارقام سرسام آوری میرسد.

گویانکه در این جا قصد مقایسه فعالیتهای صنعتی و کشاورزی در بین نیست و شاید بتوان این دویخش را از نظر سرمایه گذاری، بهره وری حساب و کتاب و کتاب یک نسبت مورد سنجش قرار داد و مسلماً هر تلاشی در خور پاداشی مناسب در همان زمینه می باشد ولی در هر حال چون قرار است نظم تازه ای بر کشت محصولات کشاورزی در سطح روستاها داده شود و با توجه باینکه درآمد یک کشاورز حدود یک پنجم درآمد یک شهری است و می باید هر چه زودتر این فاصله لااقل تا حد معقولی از میان برود و ضمن اعتراف به مسئله کم کاری در سطح روستاها باید کم کاری بکلی از میان رفته و میزان کار کرد و راندمان خدمات یک نفر کشاورز باید افزایش چشمگیری یابد این حقیقت لازمست در مدنظر قرار گیرد تا ضمن محاسبات اقتصادی و نگرشی حمایتی و تشویقی میزان سود آن چنان عادلانه گردد که تعادل درآمدها نیز بنحو عمومی نمایان شود.

زیرا همانطوریکه شاهنشاه آریامهر رهبر کبیر انقلاب شاه و ملت فرمودند « تولید فرآورده های ارزاتر را نباید با فشار و بر حلقوم تولید کننده تأمین کرد بلکه بعکس حفظ حقوق و منافع کامل تولید کننده اعم از آنکه یک واحد عظیم صنعتی باشد یا یک کشاورز ساده می باید اساس کار قرار داد».

در این زمینه پیشنهادی دارم و آن اینکه حال که قرار است برای عمران منطقه ای بودجه ای در نظر گرفته بشود تا بر حسب نظر انجمنهای و موکراتیک اولویتها تعیین و بمصرف برسد. بودجه ای تحت عنوان «احیای کشاورزی

منطقه ای منظور گردد تا انجمنهای و موکراتیک هر منطقه ضمن تشخیص اولویتهای کشاورزی در هر منطقه صرف کردن آن همت بکارند زیرا مسلماً دنبال کردن چنین طرحی بسیاری از مشکلات کشاورزی مناطق با آگاهیهاییکه انجمنهای محلی از وضع آن نقاط دارند بنحو منطوبی حل خواهد شد در مورد اعتباراتیکه جهت بیمه محصولات کشاورزی در مقابل آفات جوی و غیر جوی تعیین شده است می باید تجدید نظر گردد زیرا هرا ندره کشاورز و با دامدار اطمینان حاصل نماید که مزرعه و دامداری او در برابر هجوم بیماریها، سیل - زلزله - خشکسالی - کم آبی - سوختگی - آفت زدگی و غیره مصونیت داشته و با بروز هر یک از این بحرانها کار و حیات و مسالتش بخطر نمی افتد برای رسیدن باینده ای روشتر تلاشی بی گیر خواهد کرد.

بعلاوه باید سعی شود بیمه محصولات کشاورزی شامل حال بسیاری از فرآورده ها شود و الا محدود کردن آن در فعالیتهای مشخص در زبادی رادمان نخواهد ساخت و مهمتر اینکه پرداخت اینگونه خسارتها با سهولت و دور از وقت گذرانی و سرگردانی صورت بگیرد زیرا دیده شده است که برای پرداخت خسارت بکشاورزان و دامداران و هنگامی که عستی و عمه محصول کشاورزان از بین رفته مدتها برای پرداخت خسارت کمیسیون و جلسه تشکیل میشود و پس از آمد و رفت های زیاد، بازرسی و بازدید ارزیاب، بازرسی - کارشناسی و غیره با زهم آنچه پرداخت میشود کمتر از یکدهم ارزشی است که بعنوان خسارت تعیین شده و می بایستی پرداخت گردد.

دقت در اجرای هر طرح و در نظر داشتن آینده آن کاری بسیار ضروری در احیای کشاورزی و دامپروری مملکت است ملاحظه بفرمایید تاکنون چندین بار برای تشویق کشاورزان و دامپروران و صادر کنندگان فرآورده های سنتی جایزه نقدی و جشی پاداش و غیره تعیین شده ولی هنوز مدتی از آن نگذشته بدون دلیل این مسئله لغو می شود.

از اینها قبل موضوع منطقه ای شدن کشاورزی و اینکه کدام نقاط برای کشت فلان گیاه مناسب است بحث شده و حتی مطالعات فراوانی هم در این زمینه بویژه از سوی کارشناسان خارجی که نمیدانم چرا کارشناسان خودمان تشخیص ندهد، و قضیه حتی آقدر زمانی بالا گرفت که قرار شد از با هواره های مطالعاتی برای این

منظور استفاده کنیم و برای این کار سمینارهای متعددی هم برگزار شد که منجم در یکی از آنها دعوت داشتیم و موضوع آنقدر با اطمینان و ائیندواری بحث میشد که همه از اینکه با چنین وسیله و تکنیک پیشرفته‌ای توانسته‌ایم مشکلات کشاورزی را مرتفع سازیم اظهار خوشنودی فراوان می‌کردند ولی تازه می‌بینیم که بازم طرح منطقه‌ای شدن کشاورزی و شناسایی مناطق مزبور بر سر زبانها افتاده و مسئله بسورت روز از روز ازنو درآمده است.

از این مسائل فراوان است منتهی باید دانست که اگر زمانی در فعالیتهای تولیدی بویژه کشاورزی و دامپروری زمین، کار و سرمایه و حتی تکنیک مورد توجه بوده است امروزه بر این فطرت مسئله حیاتی دیگری نیز افزوده شده و آن استعداد و ذهن و منطق فنی است که وجود آن سبب خواهد شد تا سرمایه و هوش یکجاسازمان داده شود و کارها برپا بیاید پیشرفت نماید.

خوشبختی در اینست که تاکنون درباره مسائل کشاورزی مملکت و دامپروری و تکنیکهای آن بحث زیاد شده و راه‌حلهای بنیادی فراوان نیز ارائه گردیده است که نمونه‌هایی از آن‌ها نظیر ضرورت ایجاد اتاق کشاورزی ایران بمنظور کمک و همکاری با اولیاء وزارتخانه‌های ذیربط، تأمین بیمه محصولات کشاورزی، توجه به میزان هزینه عوامل تولید محصولات و پرداخت بهره‌ای عادلانه و هم چنین قرار دادن عوامل تولید در اختیار تولید کنندگان، مشکلات فروش بازار، تثبیت قیمت و نحوه قیمت‌گذاری و غیره را میتوان به تفصیل در میزگرد روزنامه رستاخیز ارگان رسمی حزب رستاخیز ملت ایران که انتشار داده‌ام مشاهده کرد که اکثر این راه‌حل‌ها و خواسته‌ها ناهماهنگی است که از قلب روستاها برخاسته و خوشبختانه تعدادی از آنها نیز مورد توجه قرار گرفته و حتی اخیراً با توجه به پیشنهادی که در یکی از مطبوعات کرده بودم دایر با ادغام فعالیت‌های چند وزارتخانه که عاومر کشاورزی ارتباط دارند در سطح استانها و مناطق تولید نحوه‌ای از انجام کار آن مورد توجه و اجرا قرار گرفته است تا زمانیکه در اجرای این مسائل وجدان و مدیریت و صمیمیت و همکاری لازم بکار نیاید نمیتوان از بهرچیز بیشتر کار اطمینانی بدل راه داد.

من هیچ آدم منصفی منکر افزایش تولید فرآورده‌های کشاورزی و دامی در مملکت نیستیم اما باید دید این پیشرفت با چه هزینه‌ای صورت گرفته و تولید هر کیلو از

این محصولات که بویژه توسط سازمانهای دولتی و مجتمع‌ها که نام سازمانهای انتفاعی بر خود نهاده ولی در حقیقت سازمانهای زبان‌ساز نام دارند به چه مبلغی برای دولت تمام شده است و بعلاوه صرف اینگونه اعتبارات تا چه حد در رونق کشاورزی روستائی مؤثر بوده و آیا موجبات دلگرمی کشاورزان و دامپروران حقیقی و دست اندرکار را فراهم ساخته و یا آنها را از آینده کارشان بیمناک تر کرده است.

من چند سال قبل وقتیکه متوجه شدم در طول برنامه پنجم از ۱ هزار میلیارد ریال بودجه عمرانی حدود یک دهم آن صرف احیای کشاورزی و توسعه روستاها میشود و با این حساب میتوان دریافت که سالیانه بیش از ۸۰ میلیارد ریال و روزی نزدیک به ۲۳۰ میلیون ریال و بالاخره ساعتی نزدیک به ۱۰ میلیون ریال برای این مسئله در کشور اعتبار در نظر گرفته شده یعنی همین دو ساعتی که من در حضور نمایندگان محترم سخن می‌گویم بدون در نظر گرفتن ۴ رقم بودجه سالیانه جمعاً ۲۰ میلیون ریال از اعتبارات عمرانی پنجم صرف احیای کشاورزی می‌گردد و مسلماً با احتساب بودجه سالیانه این رقم نزدیک به دو برابر میشود، باینده کشاورزی بسیار دل بستم و خرسند بودم که با ارائه برنامه‌های کارساز و به نیروی هوش و اندیشه فعالیت عظیم آغاز خواهد شد. گویانکه نتایج همه این سرمایه‌گذاریها قرار است در آینده تقویم و تعیین گردد ولی این درخواست وجود دارد که مسئولین محترم امور برای راعسانی علاقمندان تربیتی آغاز فرمایند تا لاقول قیمت تمام شده هر واحد محصول در سازمانهای تولیدی دولتی با صرف هزینه‌های هنگفت بدرستی معلوم گردد تا لاقول آگاهیهای لازم از اقتصادی بودن کار و برنامه‌ها کشاورزی حاصل آید.

مسئله دیگر، اگر برای تجدید نظر در مورد اعتبارات تشکیلاتی و سازمانی بمنظور صرفه‌جویی در بودجه مملکتی است و همچنین مقرر گردیده عدم تمرکز در کارهای اداری حاصل آید پس چرا هنوز بسیاری از دفاتر مجتمع‌های شیره و گوشت شهرستانها و سازمانهای کشت و صنعت استانها که اساساً کارها و فعالیتهاشان ارتباطی به مرکز ندارد هریک در تهران دفاتر عریض و طویل و کارمند مجبور و اجور در اختیار دارند تا حدیکه این قبیل اعمال و نظایر دیگر که در وزارتخانه‌های مختلف سابقه دارد بودجه وزارتخانه‌های بویژه وزارت کشاورزی تحمیلی و وارد گردد. و یا چرا وقتی در منطقه‌ای که سازمانهای وسیع کشت

و صنعت دولتی بوجود آمده و این سازمان قادر است و باید به مراکز کشاورزی و دامپروری دیگر سرویس بدهد بازم سازمانهایی دیگر بوجود آمده و برای هریک از آنها بودجه‌ای جداگانه در نظر گرفته شده است.

تذکره کردن اینگونه اعتبارات و افزایش آن بموارد ضروری و کارساز دیگر نه بدان معناست که همانطوریکه اخیراً دیده شده است بعضی از ادارات روی ابتکاری نه چندان موفق اسماً دستگاههای اداری خود را به محل اجرایی برده‌اند ولی در حقیقت اینکار موجب گردیده نه تنها گرهی از کار مشکلات گشوده نشود بلکه نوعی دیوان سالاری محلی بر دیوان سالاری مرکزی افزوده و چه‌بسا صرف هزینه بالا و حتی زمانی بدو برابر رسیده است بلکه منظور از این پیشنهاد اجرای صحیح کار با در نظر گرفتن جوانب امروز بدون تبلیغات و سر و صدای اضافی است. لزوم هم آهنگ ساختن فعالیتهای تولیدی از مرحله تولید تا هنگام فروش نکته مهم دیگری است که در سیاستهای اجرایی کشاورزی مملکت باید رعایت شود بطوریکه حتی الامکان دستگاههای تصمیم گیرنده در مورد فعالیتهای مشترک در یکدیگر ادغام شوند تا از دوباره کاری، سرگردانی ارباب رجوع و ناهم آهنگی در عملیات اجرایی جلوگیری شود زیرا بارها دیده شده است که وزارتخانه‌ای تنها بفرکان بالا بردن سطح زیر کشت است تا بقول خود آمار را بیشتر از سال گذشته نشان دهد و با اصطلاح خود مصرف سرانه را که امیدواریم بطور عادلانه صورت گیرد افزایش دهد دیگری مشکل خرید همین محصولات تولیدی را از روستائیان بر خ میکشاند که هم چنان در اینکار و راه‌حل آن مانده است و بالاخره سازمانی دیگر که خود را بری از تولید و خرید محصولات داخلی از کشاورز نمیداند تنها بامور مارکتینگ پرداخته و مرتباً سفارش خرید انواع و اقسام اقلام را بدون توجه لازم بمیزان تولید و مصرف داخلی از خارج انجام میدهد شواهدی در این زمینه بویژه در خصوص پرتقال - برنج - جوی - گندم و اقلام دیگر بوضوح دیده میشود بطوریکه از طرفی پتال برای بالا بردن سطح کشت گندم جایزه بکشاورزان داده میشود از سوئی خرید گندم در داخل کشور با مشکلاتی همراه میشود بطوریکه قسمت زیادی از گندمهای حاصله در انبارها از بین می‌رود و مزارع کاشته شده بعلت صرف نکردن و بالا رفتن هزینه تولید همچنان بحال خود رها میگردد و از سوی دیگر سازمانی مرتباً برای خرید و ورود گندم از خارج بداخل کشور قرار

داد امضاء میکند و به با اعلام صریح وزارت کشاورزی دایر باینکه تولید داخلی سال آینده گندم به ۵/۵ الی ۶ میلیون تن رسیده و دیگر هیچگونه احتیاجی برورد گندم از خارج بداخل مملکت نیست معذک قرار داد خرید یک میلیون و سیصد هزار تن گندم از خارج کماکان امضاء و قرار دادها مبادله میگردد (دکتر رئیس - جزو تعهدات پارسل است که برای تأمین آذوقه دارند حالا می‌آورند) من میخواهم بفهمم تا کی ادامه دارد (همایونفر، معاون وزارت کشاورزی - دولت جوابهای دقیق دارد که بموقع بعرض مجلس محترم خواهد رساند) متأسفانه باید اذعان کرد که گاهی چنین سازمانهایی با کار و هدفهای مشترک حتی در یک وزارتخانه هم وجود دارند که یکی را از کار دیگری اطلاعی نیست و هریک کار و وظیفه خود را دنبال میکنند. سالهاست که بین دو وزارتخانه تعاون و کشاورزی قرارداد همکاری امضاء میشود. من تعجب میکنم در یک کار مملکتی که مسئولیت مشترک هم وجود دارد امضاء تفاهم نامه چه معنائی دارد همان موقع بارها و بارها تذکر در این باره داده شده و در مطبوعات نیز مطالب فراوانی در این باره نوشته شد که اگر با آنها توجه میشد مسائل زودتر حل و فصل میگردد زیرا هم اکنون اعلام گردیده است که تفرقه در طرحهای مختلف در سطح استانها نه تنها کار را بدتر میکند بلکه ما را با عدم موفقیت مواجه میسازد و انکهی اگر قرار است کارهای وزارتخانه که بعقیده من ۲ وزارتخانه واجب تر است در سطح استانها در تمام کشور در هم ادغام شود چرا در مرکز هم ادغام نشود؟ یکی از کلماتی که مصطاح هست « فارغ التحصیل » است من باین کلمه مخالف هستم چون یک انسان تا دم مزگ فارغ التحصیل نیست و همیشه فرا گیرنده است و من، آقای دکتر همایونفر افتخار میکنم که همیشه فرا گیرنده هستم (احسنت) از مسئله کشاورزی میگذریم و کمی درباره جوانان و نیازهای آنها سخن می‌گویم:

با توجه باینکه هر سرمایه‌گذاری برای پرورش و تعلیم و آموادسازی جوانان که سازنده امروز و فردای مملکت هستند بشود نتیجه آن مستقیماً عاید همان اجتماع و مملکت خواهد شد جا دارد در تخصیص بودجه و اعتبارات و سیاستهای اجرایی برای این منظور کوشش و همتی فراوان بعمل آید من خود که مسئولیت کمیته مسائل امور اجتماعی جوانان حزب رستاخیز ملت ایران را بعهده دارم از نزدیک با بسیاری از مشکلات و گرفتاریهای این گروه کوشنده خوشفکر و علاقمند بشاه و وطن آشنا هستم و هر بار

که بشهر انتخابه خود رشت میروم و با جوانان به گفت و گومی نشینم بدستی آگاه بشوم که مشکل و خواست اساسی جوانان مملکت در هر گونه ای از کشور عزیز ما ایران در یک محدود و دور میزنم آن ایستکه آن زمان گذشته است که می گفتند «جوانان سازنده دنیای فردا هستند» زیرا به عیان میتوان دید که جوان سازنده آباد کننده و فکر دهنده همین امروز است که فردانی را هم بدنیال دارد. جوانان علامت مند همین امروز نایب فعالیتها و تلاشهای سازنده خود را دزدگرگون کردن سیمای جهان ببیند و بحق هم منتظر فردا نشسته اند و اینهم زمانی نتیجه بخش است که جوانان بحسب آئیند، کار و مسئولیتی فراخور حالشان بآنها داده شود و هر چند وقت یکبار نتایج اقداماتشان نیز بنظرشان برسد. اگر مثالی برای صدق این مدعا بخواهید همین بحساب آمدن جوانان در امر مبارزه با گرانفروسی است که چون حاصل کار خود را ارزیابی می کنند و آنرا نتیجه بخشی می بینند بکاری خلاق علاقمندتر شده و در انجام وظایف کوشاتر می گردند و مطمئن هستیم در امر مبارزه با فساد نیز وجود جوانان میتواند از هر جهت مؤثر واقع شود بحساب آوردن جوانان آنها با ساختن کلوب، برگزاری شو، ستاره بازی و سرگرمیهای مخدر و خیال پرداز و غیره نیست و نباید جوانان اوقات بیکاری را بجای سازندگی به سیکار دود کردن سرخیابان ایستادن نشستن به پای تلویزیون مشغول شوند تازه در این کمبود سرگرمیهای متنوع چه بسا که دیدن تلویزیون برجسته ترین آنها باشد و بطوریکه تلویزیون ملی نیز اعلام داشته است تنها در تهران ۲ میلیون نفر بیننده دارد که نیمی از آنها را جوانان تشکیل میدهند.

باید باین فکر اساسی اندیشید که رابطه بنیادی جوانان با جامعه تصحیح شود. یکی از بدیهیترین این وظایف احترام به اندیشه و افکار جوانان و ایجاد فرصت برای آنان است تا در چنین صورتی افکار نو بازور و راه سازندگی و یونندگی بسیار میموده شود جوان باید بحساب آید. اگر پیشنها و فکری نو در سر دارد نباید باین اعتنائی مواجه گردد و یا تبعیض و فاسیل بازی و آشنایی و نظایر آن در محیط مدرسه - دانشگاه - کارخانه و اداره و غیره سد راه گردد.

متأسفانه با توجه بآمار موجود نزدیک به ۷۰ درصد جوانها ایام فراغت را با لاجبار خانه نشین میشوند و بطوریکه اظهار داشته اند اظهار بیهودگی را در کسب میکنند و در چه کنیم گرفتار آمده اند.

تازه با زعم در تهران جوانان میتوانند تاحدی از امکانات ورزشی، خانه های جوانان، کتابخانه تأمین خدمات و دیگر نهادهای تفریحی بهره ببرند ولی در شهرستانها این کمبودها آنقدر فراوان است که موجبات سرگردانی آنان چه در ایام تحصیلات و یا در تعطیلات تابستان و اوقات فراغت از کارگاه و اداره و غیره فراهم می گردد.

در اینجا از هیأت محترم دولت تقاضا دارم حال که نمیتوان اعتباری جداگانه برای امور رفاهی و ارشادی جوانان در سازمانی ویژه اختصاص داد و بودجه مزبور در سازمانهای مختلف و بصورت گوناگون تقسیم شده است سعی شود هزینه های مربوط بجا و بدقت و ذوق موارد مربوط بچگونگی خرج شود و توجه باین امر حیاتی در زمره اولویتهای اساسی بودجه سال ۵۰ قرار گیرد. (صحیح است)

در مورد ورزش و تأمین وسایل و امکانات مورد نیاز برای پرورش جوانان هر اندازه در تخصص بودجه بویژه استانی کردن اعتبارات و سازمانهای مربوط دیگر گشاده دستی بشود و بقول آقای وزیر آموزش و پرورش که این روزها سخت بامر پرورش روی آورده اند توجه بیشتری باین مسائل گردد کاری کاملاً بصلاح و مصلحت مملکت و سازندگان خلاق کشور صورت گرفته است البته بشرطی که این مسئله بالاخره روزی از گفته و نوشته بقوه عمل درآید و نتایج آن قابل لمس شود (صدری کیوان - اعتبارات تربیت بدنی ۵۰ درصد اضافه شده است) (منتظری - چیزی گیر شهرستانها نمآید) بهرحال کافی نیست.

۹ سال دیگر قرار است مسابقات المپیک در کشور ما برگزار شود و با توجه باینکه بهترین سن برای بازی فوتبال ۲۰ الی ۲۱ سالگی است ما باید از هم اکنون جوانان ۱۲ الی ۱۴ ساله را آماده کنیم. تا در آن وقت از بهترین فرم تیمی برای بازی فوتبال برخوردار گردیم و الا تکیه به همین قهرمانان موجود نه تنها افتخاری برای ما بوجود نخواهد آورد بلکه پشتوانه این ورزش نیز از بین خواهد رفت و جای نهایت خوشحالی است که ولیعهد محبوب و شایسته کشور نیز جان کلام را در این زمینه بیان فرموده و همداروی آگاهانه در این زمینه با اطلاع همگان رسانیده اند. در مورد سایر ورزشها هم همین طور است و اگر از حال نوجوانان هشت الی دهمساله را پرورش دهیم طی ۹ سال آینده از تیم جوان و شایسته شنا برخوردار خواهیم بود.

هم اکنون بنا بر آرزوهای شما داده شده برای هر فرد کشور ایران تنها یک سیلیمتر مربع زمین ورزش در بعضی شهرها،

از جمله رشت وجود دارد و باین احتساب و اینکه چه امکاناتی برای گسترش ورزش در کشور وجود دارد و با توجه باین اطلاعات که هردانش آموز ایرانی در طول سال تعطیلاتی و چند رنال اعتبار ورزشی دارد و جمع اعتبارات فدراسیونها در تهران و شهرستانها تنها ۲۷ میلیون تومان است و بسیاری از تنگناهای دیگر چگونه میتوان روحیه خلاقانه در ورزش بوجود آورد و پذیرش روح مسابقات المپیک را در مردم پدید آورد.

در شهر ۲۰ هزار نفری رشت حتی یک سالن سر پوشیده استاندارد وجود ندارد و در این استان که بعلت آب و هوای بارانی جوانان و ورزشکاران تنها قادرند ۳ ماه از سال در محیط باز و آزاد ورزش کنند در بقیه اوقات خانه نشین هستند و باین ترتیب شاید بتوان گفت از نظر فقر وسایل، زمین و امکانات ورزشی استان گیلان سرآمد دیگر استانهای کشور باشد و حال آنکه می بینیم با همه این کمبودها قهرمانان جانباز و وطن پرست و دلآورانیکه برای اثبات روح قهرمانی خود حتی تا پای جان نیز مبارزه می کنند در این استان فراوان هستند.

برای ایجاد روحیه ورزشی حتی در بعضی از مناطق از تشویق و ترغیب هم دریغ میشود یکی از قهرمانان دو و میدانی رشت که قهرمان سوم کشور نیز شده است می گفت ۷ سال است که ورزش می کنم، بارها قهرمان شده ام حتی یک صفحه کاغذ هم بعنوان تشویق بمن ندادند و تنها طی این مدت آنچه نصیب شده یک لباس گرم کن است، اومی گفت چه اشکالی وجود دارد که اینهمه وسیله که برای مسابقات آسیائی خریداری شده و هم اکنون در انبارها زنگ میزند بین مشتاقان ورزش شهرستانها تقسیم شود تا از این بابت موجبات دلگرمی آنان فراهم شود.

در هر حال باید توجه داشت که قبول مسئولیت برگزاری مسابقات المپیک در کشور باید با پذیرش روح ورزشکاری نیز همراه باشد و حال که بخاطر امکانات، قدرت و عظمت و شایستگی که در جهان امروزی دارا شده ایم و بحق لیاقت انجام بسیاری از کارهای عظیم و بنیادی را در سطح جهانی داریم برای انجام چنین وظیفه ای از هم اکنون به پرورش و آموزش مسائل مربوط کوشش کنیم و برنامه هائی برای رسیدن بهدف تنظیم و بوقوع اجرا در آوریم.

چه عیبی دارد برای بزرگداشت روحیه ورزشکاری و توجه مردم باین خصلت پسندیده از هم اکنون سالی

یکروز را بنام ورزش عنوان کنیم و بهمان گونه که روز مادر، روز درختکاری و غیره داریم که ایجا هر یک قابل تقدیر و سیاسی فراوان است روزی را بنام ورزش بخواهیم و حتی سعی شود در این روز مردم به پیاده روی دعوت شوند و از عبور و سیاط نقلیه در شهر تا حد امکان جلوگیری بعمل آید.

اینکه قبلاً گفته شد مردم باید روح شجاعت و سلامت ورزش را درک کنند بخاطر اینست که اگر مادر برگزاری جشنهای نوروز و اعیاد ملی و از همه مهمتر جشن برشکوه بزرگداشت ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران و هم چنین جشنهای ششم بهمن و دیگر روزهای پرافتخار موفق بوده و هستیم تنها بخاطر آنستکه مردم روح و عظمت این اعیاد را درک کرده اند باین ترتیب برای برگزاری بازیهای المپیک هم آشنائی باین روحیه لازم و ضروری است و اگر چه این مسئله عظمت اعیاد دیگر را در بر ندارد ولی باز نظر اینکه روحیه ورزش دوستی و جوانمردی از همه نظر از سوی مردم پذیرا گردد تلاش در ایجاد این خصلت و روحیه ضروری است بویژه اینکه در اثر توفیق در این امر سعادت و سلامت یار و یاور هم میهنان خواهد شد. (صحیح است)

در چنین موقعیتی من از ورزش مدارس و دانشگاه چیزی نمیگویم چون اصولاً فعالیت و اثری در میان نیست که قابل انتقاد و یا بازگفتن باشد مگر غیر از اینستکه ورزش در مدارس و دانشگاهها جز تلف شدن وقت و یا اوقات بیکاری معنا و مفهومی دیگر در بر ندارد؟ تازه این زمانیست که در برنامه درسی اسمی هم از ورزش برده میشود در صورتیکه در برنامه سال دوم نظری اصولاً برنامه ای تحت عنوان ورزش وجود ندارد و اجرای این امر حیاتی در زمره برنامه های فوق برنامه گنجانیده شده است.

یکی از مهمترین راههای علاقمند ساختن جوانان بکار و اشتغال آنیکه دارند اعم از آنیکه در حال آموختن باشند و یا مشغول انجام کار اینستکه بدانند اولیاء مدرسه یا دانشکده یا دانشگاه یا مدیران کارخانه و اداره و سازمانهای دیگر در کار خود تبحر داشته و یا لائق القاب مدیریت را میدانند، زیرا در غیر اینصورت هم بودجه و اعتبارات که اینهمه درباره آن حرف و گفتگو میان آمده است بهدر خواهد رفت و هم کاری به پیش برده نمیشود و این از وظایف دولت است که توجه داشته باشد برای اجرای هر فکر و اندیشه ای نوبت باید ابزار و مجریان نو اندیشه ای نیز بکار بگمارد. بدیهی است در غیر اینصورت استعدادها و شایستگیها و دستهاییکه میباید در خرج کردن اعتبارات

است که آنچه موجب بیداری هرقوم و ملتی می‌گردد همان آگاهی و برخورداری از مبانی فرهنگی است و این همان مسئله‌ایست که لااقل دزدبیرستانها میتوان با آموزشی تاریخ و جغرافیا و سایر مسائل ملی تا اندازه‌ای به هدف رسید ولی می‌بینم که متأسفانه در بین دروس مدارس آنچه که بیش از سایر دروس از اهمیت و اعتباری ناچیزتر همراه است همین دروس است بطوریکه سه درس تاریخ و جغرافیا و علوم اجتماعی تنها یک نمره دارد و حال آنکه دروس دیگری تنهایی دارای نمره‌ای جداگانه و حتی دارای ضرایب خاصی هم هستند.

اصولاً باید توجه داشت که ممکنست هر کشور و یا ملتی مورد هجوم قرار گرفته از نظر اقتصادی یا نظامی و نییاسی متحمل شکست‌هایی بشود و لی تا زمانیکه قدرت فرهنگی به تحلیل نرود هیچ‌گاه شکست نصیب آن کشور نخواهد شد و این مسئله ایست که باید مورد توجه اولیاء آموزش و پرورش قرار بگیرد و در آموزش و تحکیم این مبانی تصمیمی جدی، عاقلانه و کارساز اختیار نماید.

### ۳- تعیین دستور و موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - آقای دکتر ستاری وقت جلسه تمام شده است با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم میکنم. جلسه آینده در ساعت ۹ صبح فردا «روز پنجشنبه» دستور دنباله بحث در لایحه بودجه خواهد بود.

(جلسه در ساعت بیست و چهار ختم گردید)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی

در راه سازندگی و شکوفائی بکار آید بسرودی گزاینده و از همین جا بتدریج جوانها از مسائل اجتماعی دلزده میشوند و بی تفاوت و غیرفعال بارمی آیند و جای تردید نیست در چنین شرایطی که کار بکار دان سپرده شده است نامجو قهرمان نامدار جهان بجای تعلیم و زنده برداری شیفنگان ورزش ناخود آگاه در زمسه کاشفین دارو درمی آید و برای خود مشکلاتی ایجاد می نماید و یا دبیر و دانش آموزخته ریاضی به تدریس فقه و تعلیمات دینی میپردازد و یا اینکه مهندس راه و ساختمان سیاست تولید شیر و گوشت و مجتمعهای کشت و صنعت را بعهده می گیرد.

در مورد آموزش و پرورش جوانان صحبت شد متأسفانه باید اذعان کنم که تعدادی از جوانان ما از ایران کم میدانند همین چندی قبل بود که در یکی از مسابقات تلویزیونی که در آن جوانان و محصلین مدارس شرکت داشتند و می‌توانستی بسؤالائی از وضع موجود ایران صحبت میداشتند نحوه پاسخ بسؤالات بعدی نارضا و حاکی از کم اطلاعی شرکت کنندگان بود که موجب حیرت همگان گردید و وقتیکه بادیدن برنامه جریان را دریافتم مطلبی از جراید منتشر ساختم که خوشبختانه مورد توجه اولیاء تلویزیون قرار گرفت و از ادامه این برنامه جلوگیری شد. در مورد آموزش ملی و میهنی جوانان آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد توجه بمسائل و سیاستهای فرهنگی است زیرا اصولاً وحدت و قدرت ملی بر چهار عنصر سیاستهای اقتصادی - نظامی - سیاسی و فرهنگی بنیاد گرفته